فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی

سال بیست و پنجم، شماره ۸۱، بهار ۱۳۹۶، صفحات ۸۴ – ۳۳

ضرورت، ابعاد و وضعیت استقلال مقام ناظر بانکی در ایران

سید علی روحانی

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

s.ali.rohani@ut.ac.ir

سید عباس پرهیزکاری

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی

s.abbas.parhizkari@gmail.com

نقش بسیار مهم بانک‌ها در ثبات مالی و ماهیت بسیار متفاوت بانکداری با سایر صنایع در اقتصاد، نظارت دقیق و کارآمد در این حوزه را ضروری می‌سازد. لازمه نظارت کارآمد، استقلال مقام ناظر از مجموعه تحت نظارت است. در مطالعه حاضر که به روش تحلیلی – توصیفی و با تحلیل اسناد حقوقی و مالی نگاشته شده، با الهام از ادبیات موضوع، به منظور تحلیل استقلال مقام ناظر در ایران، استقلال بانک مرکزی از شبکه بانکی از سه بُعد مورد بررسی قرار گرفته است: استقلال ساختاری و سازمانی، استقلال مالی و استقلال نیروی انسانی. همچنین با تحلیل قوانین کشورهای منتخب، احکام وضع شده به منظور حفظ استقلال مقام ناظر در این کشورها استخراج شده است. در بُعد ساختاری و سازمانی، نقش شبکه بانکی در انتصاب ارکان مختلف بانک مرکزی و کمیته‌های تصمیم‌گیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بُعد مالی، علاوه بر بررسی ضوابط تعیین حقوق و مزایای ارکان بانک مرکزی، انتفاع یا زیان مقام ناظر از عملکرد سالم یا تخلفات شبکه بانکی، بر اساس صورت‌های مالی بانک مرکزی، تحلیل می‌شود. در بُعد نیروی انسانی، ارتباطات مدیران و کارشناسان مقام ناظر (بانک مرکزی) با شبکه بانکی (که در ادبیات با عنوان «درب گردان» شناخته می‌شود) مورد بررسی قرار می‌گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در بسیاری از کشورها، محدودیت‌ها و الزامات شفافیت‌ساز متعددی در خصوص ارتباط نیروی انسانی شاغل در نهاد نظارتی با شبکه بانکی تحت نظارت وجود دارد. با توجه به توسعه بانک‌های خصوصی در ایران، توجه به تجربیات جهانی در این خصوص ضروری است.

طبقه‌بندی JEL: G18, G28, G34, E58, K23, L50

واژه‌های کلیدی: استقلال مقام ناظر، بانک مرکزی، نظارت بانکی، ثبات مالی، درب گردان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۴

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

۱. مقدمه

سه دلیل عمده که نظارت و مقررات‌گذاری برای یک بخش اقتصادی را توجیه‌پذیر می‌کند عبارتند از: ۱. جلوگیری از خطر انتفاع حاصل از انحصار؛ ۲. ارتقای ثبات سیستمیک (ناشی از اثرات خارجی) ؛ ۳. حفاظت از مشتریان خردتر و صاحب اطلاعات کمتر. اما نظارت بر بخش مالی، به دلیل جنبه کالای عمومی‌بودن خدمات واسطه‌گری مالی، به مراتب حیاتی‌تر و توسعه‌یافته‌تر از بسیاری بخش‌های دیگر اقتصاد است.[۱]

مقررات بازارهای مالی، و از جمله نظام بانکی، گسترده‌تر و فراتر از مقررات وضع شده برای سایر صنایع است، چرا که بازارهای مالی دارای انواع خاصی از شکست بازار هستند که می‌تواند تبعات بسیار مخرب داشته باشند. به طور کلی صیانت از رقابت و فضای رقابتی از یک سو و تضمین کیفیت ارائه کالاها و خدمات از سوی دیگر، نیازمند مقررات‌گذاری و تنظیم‌گری دولت‌هاست. اما لزوم مقررات‌گذاری و نظارت بر حسن اجرای این مقررات در نظام بانکی، اهمیت مضاعفی دارد.

دو پیشران اصلی برای شکست بازار در نظام مالی که مقررات‌گذاری برای این حوزه را ضروری می‌نماید عبارتند از: ۱. عدم تقارن اطلاعات میان فروشندگان و خریداران دارایی‌های مالی؛ ۲. اثرات خارجی اجتماعی[۲] ناشی از ورشکستگی یک نهاد مالی[۳]. البته مصادیق دیگری از شکست بازار نیز در نظام مالی وجود دارد، مانند مسئله کارفرما و کارگزار[۴]، اما این موارد مختص نظام مالی نیست و در سایر صنایع نیز مشاهده می‌شوند.[۵]

1. Quintyn and Taylor, Regulatory and Supervisory Independence and Financial Stability 2002
2. Social externalities
۳. در واقع هزینه‌های ناشی از وقوع بحران بانکی به مراتب بیشتر از هزینه تحمیل شده به سهامداران بانک یا بانک‌های ورشکست شده است.
4. Principal-Agent Problem
5. The Warwick Commission on International Financial Reform 2009

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

بانک‌ها به دلیل ساختار متفاوت دارایی‌ها و بدهی‌ها، یا به بیانی دیگر هماهنگ نبودن بدهی‌ها و دارایی ها از لحاظ سررسید، اثرپذیری متفاوت از نوسانات نرخ بهره، نرخ ارز، قیمت دارایی‌های فیزیکی و...، به طور بالقوه در وضعیت بی‌ثباتی و ناپایداری قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، سهم بدهی‌های مالی در ترازنامه بانک‌ها بسیار بزرگتر از سایر صنایع است و در واقع بانک‌ها با سپرده‌های مردم اقدام به وام‌دهی و سرمایه‌گذاری می‌کنند. به عبارت دیگر بانک‌ها از نسبت اهرمی بسیار بالایی نسبت به سایر صنایع برخوردارند[1]. توجه همزمان به این دو نکته (ریسک‌های خاص فعالیت بانکی و نسبت اهرمی بالای بانک‌ها)، لزوم نظارت قوی بر شبکه بانکی را نمایان می‌کند.

نکته دیگری که لزوم نظارت بانک مرکزی بر شبکه بانکی را دوچندان می‌کند، نقش مؤثر بانک‌ها بر عرضه پول و خلق اعتبار است، که واسطه مبادله غالب در نظام‌های پولی مدرن محسوب می‌شود. به دلیل این نقش بانک‌ها، ورشستگی یک بانک می‌تواند موجب به خطر افتادن نظام پولی و مختل شدن مبادلات در کل اقتصاد گردد، کما اینکه در بحران‌های مالی این مسئله قابل مشاهده است. همچنین بانک‌ها به واسطه دسترسی به منابع بانک مرکزی و امکان اضافه برداشت، اثر مستقیم بر حجم پایه پولی دارند و این مسئله نیز می‌تواند سیاست‌های پولی بانک مرکزی را با مشکل مواجه نماید.

اقتصاددانان معتقدند به همان میزان و به همان دلیل که استقلال بانک مرکزی (از دولت) برای ایجاد ثبات پولی ضروری است، استقلال نظارتی و مقرراتی برای ثبات مالی ضروری می‌باشد. به بیان دیگر، استقلال نظارتی و مقرراتی، مکمل استقلال بانک مرکزی است برای دستیابی و حفظ اهداف دوگانه ثبات پولی و ثبات مالی[2]. در واقع، هم استقلال بانک مرکزی و هم استقلال مقام ناظر، هر دو پاسخی هستند که به مسئله ناسازگاری زمانی در دو حوزه سیاستی مختلف (سیاست پولی و ثبات مالی) داده شده است[3].

1. Lindner 2015
2. Quintyn and Taylor, Regulatory and Supervisory Independence and Financial Stability 2002
3. Masciandaro, Quintyn and Taylor, Inside and Outside the Central Bank Independence and Accountability in Financial Supervision 2008

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

بر این اساس در مقاله حاضر پس از تبیین لزوم این استقلال بر اساس مقررات بین‌المللی و سایر پژوهش‌های صورت گرفته، وضع موجود رابطه بانک مرکزی و شبکه بانکی در ایران در سه بُعد ساختاری، مالی و نیروی انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و میزان استقلال بانک مرکزی در این سه بُعد، هم در قوانین و مقررات و هم در عمل ارزیابی می‌شود.

۲. روش پژوهش و سؤالات تحقیق

اصلی‌ترین هدف مرجع نظارت بانکی در همه کشورها، برقراری و حفظ ثبات و سلامت[1] نظام بانکی و صیانت از منافع سپرده‌گذاران است. مطالعات انجام شده در خصوص ساختار نظارت بانکی، عمدتاً به سه سؤال اصلی پرداخته‌اند:[2]

۱. آیا مقام ناظر بانکی باید واحد باشد یا متعدد؟ آیا بانک مرکزی (به عنوان مقام سیاست‌گذار پولی) باید در امر نظارت بانکی نیز دخیل گردد یا نظارت بانکی در سازمان مجزایی پیگیری شود؟ اثر هر یک از این ساختارها بر کارایی نظام بانکی و ثبات مالی اقتصاد چیست؟[3]

۲. آیا مقامات ناظر بانکی باید بر سایر صنایع و خدمات مالی نظیر نهادهای بازار سرمایه و صنعت بیمه نیز نظارت داشته باشند؟ آیا نظارت بر بخش‌های مختلف نظام مالی باید به صورت یکپارچه انجام شود یا مجزا؟[4]

1. Safety & Soundness
2. Barth, et al. 2002

۳. برخی مطالعات انجام شده در این موضوع عبارتند از:

(Vives, 2001)، (Lima, Lazopoulos, & Gabriel, 2012)، (Whelan, 2012)، (Eichengreen & Dincer, 2011)، (ECB, The Role of Central Banks in Prudential Supervision, 2003)

۴. برخی مطالعات انجام شده در این موضوع عبارتند از:

(Čihák & Podpiera, 2006)، (Lumpkin, 2002)، (Luna Martínez & Rose, 2003)، (Schüler, 2004) ، (ECB, The Role of Central Banks in Prudential Supervision, 2003)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

۳. مقام (یا مقامات) ناظر بانکی تا چه میزان باید دارای استقلال در سیاست‌های اقتصادی باشند؟ این استقلال دارای چه ابعادی است و با چه شاخص‌هایی قابل توصیف است؟ اثر میزان استقلال مقام ناظر بر ثبات مالی اقتصاد چگونه است؟

در این مقاله در راستای پاسخگویی به پرسش سوم، تلاش شده است تا ضرورت و ابعاد استقلال مقام ناظر بانکی تبیین شده و وضعیت استقلال یا وابستگی مقام ناظر از/ به شبکه بانکی در ایران مورد واکاوی قرار گیرد. بر این اساس، سؤالات اصلی مقاله حاضر عبارتند از:

- علت اهمیت و ضرورت استقلال مقام ناظر بانکی برای ثبات نظام مالی چیست؟ این مفهوم دارای چه انواع و ابعادی است؟
- وضعیت استقلال یا وابستگی مقام ناظر از/ به شبکه بانکی در ایران، در سه بُعد ساختاری، مالی و نیروی انسانی چگونه است؟
- سایر کشورها به منظور تضمین استقلال مقام ناظر بانکی، چه قوانین و مقرراتی در این خصوص وضع نموده و چه محدودیت‌ها و مشوق‌هایی تعریف نموده‌اند؟

مقاله حاضر با استفاده از رویکرد پژوهش کیفی نگاشته شده و در گروه پژوهش‌های ارزیابی[1] دسته‌بندی می‌شود. هدف مقاله، تبیین میزان استقلال مقام ناظر (بانک مرکزی) از شبکه بانکی در ایران است. بدین منظور، ابتدا با اتکا به منابع کتابخانه‌ای (مقالات علمی و استانداردهای بین‌المللی)، چرایی (ضرورت) و چیستی (ابعاد مختلف) استقلال مقام ناظر بانکی تبیین شده است. سپس به روش تحلیلی – توصیفی، وضعیت استقلال مقام ناظر بانکی در ایران، در سه بُعد مورد بررسی قرار گرفته و گردآوری داده‌ها در این مرحله به روش تحلیل اسناد حقوقی و مالی انجام شده است.

تحلیل استقلال در بُعد ساختاری، بر اساس اسناد حقوقی صورت گرفته و نقش بازیگران مختلف نظام بانکی در ارکان مختلف بانک مرکزی، طبق قوانین و مقررات موجود ایران تحلیل شده است. در بُعد مالی، داده‌های لازم برای تحلیل استقلال مقام ناظر، از قوانین و مقررات (به

1. evaluation / assessment research

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

منظور استخراج نحوه تعیین حقوق و مزایای اعضای ارکان بانک مرکزی) و همچنین صورت‌های مالی بانک مرکزی (به منظور تحلیل نحوه انتفاع سازمانی بانک مرکزی) استخراج شده است. داده های لازم برای تحلیل استقلال مقام ناظر در بُعد نیروی انسانی نیز، از یک سو با استفاده از صورت‌های مالی بانک مرکزی طی ۱۲ سال اخیر (به منظور تعیین اعضای ارکان بانک مرکزی)، و از سوی دیگر استفاده از روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران و صورت‌های مالی حسابرسی شده بانک‌ها (به منظور تعیین اعضای هیئت مدیره بانک‌ها) انجام شده است.

بخش انتهایی مقاله حاضر به بررسی الزامات وضع شده برای استقلال مقام ناظر در قوانین و مقررات سایر کشورها اختصاص یافته است. گردآوری داده‌ها در این مرحله به روش تحلیل اسناد حقوقی (قوانین و مقررات مربوطه در کشورهای آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن، مالزی، قطر، امارات و...) انجام شده است.

۳. ادبیات موضوع – ضرورت و ابعاد استقلال مقام ناظر بانکی

زمانی که ضرورت مقررات‌گذاری و نظارت بر بخش مالی مشخص گردد، چگونگی طراحی مؤثرترین ساختار نهادی برای سازمان‌دهی و اعمال نظارت، به مسئله محوری تبدیل می‌گردد. اما علیرغم اهمیت موضوع استقلال مقام ناظر بانکی، پژوهش‌های انجام شده در این خصوص، در مقایسه با موضوع استقلال بانک مرکزی (به عنوان سیاست‌گذار پولی)، متناسب با میزان اهمیت این موضوع برای سیاست‌گذاران نبوده است.[1]

1. Barth, et al. 2002
Quintyn and Taylor, Regulatory and Supervisory Independence and Financial Stability 2002
Hüpkes, Quintyn and Taylor 2005

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

این در حالی است که با توجه به مقایسه‌ای که هوپکس (۲۰۰۵) انجام داده است، تأمین ابعاد مختلف استقلال و پاسخگویی مقام ناظر بانکی، به مراتب دشوارتر از مقام سیاست‌گذار پولی است، چرا که:

- اهداف سیاست‌گذار پولی واحد، قابل کمی شدن و شاخص‌گذاری است؛ اما اهداف مقام ناظر بانکی متعدد بوده و کمی‌سازی و شاخص‌سازی برای آنها دشوار است.
- تجویز شفافیت برای عملکرد سیاست‌گذار پولی فاقد ملاحظات محرمانگی است؛ اما شفاف‌سازی کامل عملکرد مقام ناظر بانکی ممکن است اثرات منفی بر منافع عمومی و ثبات مالی داشته باشد.
- حفاظت‌های قانونی برای سیاست‌گذار پولی مطلوب است؛ اما برای مقام ناظر بانکی وجود چنین حفاظت‌هایی ضروری بوده و طراحی آنها دارای پیچیدگی است.
- نیازی به اعطای اختیارات تنبیهی و تحریمی به سیاست‌گذار پولی وجود ندارد، اما مقام ناظر بانکی باید دارای چنین اختیاراتی باشد و امکان محروم نمودن اشخاص از برخی حقوق مدنی را، به صورت مستقل، داشته باشد. طراحی این اختیارات دارای پیچیدگی فراوان است.[1]

در حالی که طی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، جریانی از ادبیات علمی حول موضوع استقلال بانک مرکزی (به بیان دقیق‌تر، استقلال کارکرد سیاست پولی بانک مرکزی) شکل گرفت، اما توجهی به کارکرد نظارتی بانکی نشد. از اواسط دهه ۱۹۹۰ و هنگام تأسیس نهادهایی نظیر FSA[2] و APRA[3] در انگلستان و استرالیا، موضوعاتی نظیر استقلال و پاسخگویی مقام ناظر مورد بحث قرار گرفت.[4]

در پی بحران‌های مالی پرهزینه در دهه ۹۰ در بسیاری کشورها و خصوصاً بحران مالی ۲۰۰۷، اجماع نسبی در خصوص ریشه‌های بحران بانکی میان محققان حوزه بانکداری ایجاد شد، مبنی بر

1. Hüpkes, Quintyn and Taylor 2005
2. Financial Services Authority
3. Australian Prudential Regulations Authority
4. Masciandaro, Quintyn and Taylor, Inside and Outside the Central Bank Independence and Accountability in Financial Supervision 2008

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

اینکه استقلال مقام ناظر برای کارکرد مناسب بانک‌ها و به طور عام‌تر، ثبات نظام مالی، ضروری است.[۱] در واقع ساختار نامناسب نظارتی، شامل مقررات غیرمؤثر، نظارت ضعیف و پراکنده، و مداخلات سیاسی در فرایند نظارت، نقش بسیار مهمی‌در تشدید بسیاری از بحران‌های بانکی سیستمیک اخیر داشته است.[۲]

با توجه به تغییر محتوای شغل ناظران بانکی[۳] در پاسخ به آزادسازی بخش مالی، توجه فوری به ترتیبات حاکمیتی[۴] نهاد ناظر، بسیار ضروری است. سابقاً ناظران صرفاً عاملان تطبیق[۵] بودند که انطباق عملکرد بانک‌ها بر قواعد و مقررات مختلف را بررسی می‌کردند. اما امروزه ناظران، «ناظران حکمرانی»[۶] هستند که به نیابت از سپرده‌گذاران، کیفیت ترتیبات حاکمیتی نهاد مالی را مورد بررسی قرار می‌دهند. حکمرانی صحیح در نهاد ناظر، پیش‌نیاز اجرای موفقیت‌آمیز چنین وظیفه‌ای است.[۷]

هدف از تأمین استقلال مقام ناظر بانکی، پیشگیری از وقوع «تعارض منافع»[۸] در نهاد نظارتی است. تعارض منافع زمانی رخ می‌دهد که یک فرد (الف) در جایگاهی قرار بگیرد که لازمه آن، قضاوت و تصمیم‌گیری درباره منافع سایر ذی‌نفعان (اشخاص حقیقی یا حقوقی) باشد، و در عین حال، خود آن فرد (الف) دارای منافع (یا مسئولیت و پاسخگویی) در قبال ذی‌نفعان مذکور باشد، که می‌تواند اعمال قدرت قضاوت و تصمیم‌گیری را مختل نماید[۹].

به این معنی که در صورت عدم استقلال مقام ناظر از دولت یا شبکه بانکی، مدیران و کارکنان نهاد ناظر با یک دوگانه مواجه خواهند بود: از یک سو اقتضای منافع عمومی و جایگاه نهادی آنها، نظارت کارا بر شبکه بانکی است، ولی از سوی دیگر منافعی ناشی از فشارهای سیاسی دولت یا پیشنهادهای ارائه شده از سوی بانک‌های تحت نظارت وجود دارد، که موجب می‌شود

1. Barth, et al. 2002
2. Quintyn and Taylor, Regulatory and Supervisory Independence and Financial Stability 2002
3. Job content of Supervisors
4. Governance Arrangements
5. Compliance Officer
6. Governance Supervisors
7. Quintyn, Governance of Financial Supervisors and its Effects 2007
8. Conflict of Interest
9. Corporate Governance in Bank Supervisory Agencies 2006

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

نفع فردی مدیران و کارکنان نهاد ناظر در عدم نظارت کارا قرار گیرد. این تعارض منافع، ریشه مقررات‌گذاری و نظارت ضعیف در نظام مالی خواهد شد.

البته باید توجه داشت که تعارض منافع در نظام مالی، صرفاً درون نهاد ناظر وجود ندارد، بلکه انواع دیگری از آن درون بخش‌های مختلف نظام مالی قابل مشاهده است.

کروکت و همکاران (۲۰۰۳) مهمترین انواع تعارض منافع در صنعت خدمات مالی را در چهار گروه ذیل دسته‌بندی نموده‌اند (Crockett, Harris, Mishkin, & White, 2003).

۱. تعارض منافع در بانکداری سرمایه‌گذاری[1]، که به طور خاص در پذیره‌نویسی و تحقیقات نمود می‌یابد.
۲. تعارض منافع در حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی که نظرات حسابرس را متأثر می‌کند.
۳. تعارض منافع در ارزیابی اعتباری و نهادهای رتبه‌بندی[2] مربوط به نهادها و ابزارهای مالی.
۴. تعارض منافع در بانکداری جامع[3]، ناشی از ادغام بانکداری، بیمه و بانکداری سرمایه‌گذاری.

همچنین بورک و همکاران (۲۰۱۵) اثر نظام جبران خدمات[4] بر وقوع تعارض منافع در ارائه مشاوره‌های سرمایه‌گذاری، ارائه گزارشات تحلیلی مالی، مدیریت صندوق‌های سرمایه‌گذاری دوطرفه[5] و گزارشات حسابرسی را به لحاظ نظری و تجربی بررسی نموده‌اند. همچنین اثربخشی دو راهبرد اصلی مدیریت تعارض منافع، یعنی مقررات‌گذاری و افشا[6] را تحت شرایط مختلف بررسی نموده‌اند. در این مقاله مطالعات انجام شده حول این موضوع به طور کامل گردآوری و دسته‌بندی شده است.[7]

در راستای توجه به استقلال مقام ناظر به عنوان یکی از ارکان نظارت بانکی مؤثر، اصول محوری نظارت کمیته بال در سپتامبر سال ۱۹۹۷ توسط کمیته‌ای متشکل از نمایندگان بانک‌های

1. Investment Banking
2. Credit Assessment & Rating Agencies
3. Universal Banking
4. Compensation schemes
5. Mutual Fund Management
6. Regulation and Disclosure
7. Burke, et al. 2015

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

مرکزی گروه ۱۰، مقامات نظارتی کشورهای شیلی، چین هنگ کنگ، مکزیک، روسیه و تایلند به منظور ارائه پیش شرط‌های لازم برای اعمال نظارت بانکی مؤثر تدوین و انتشار یافت. طبق اصل اول از این اصول، یک سیستم مؤثر نظارت بانکی می‌بایست دارای استقلال عملیاتی و منابع کافی باشد (اسدی, ۱۳۸۸).

کمیته بال در سال ۲۰۰۶ با انتشار اصول ۲۵ گانه معروف به بال ۲، به ویرایش و به روزرسانی اصول فوق پرداخت و مجدداً در سپتامبر ۲۰۱۲ این کمیته اصول ۲۹ گانه برای نظارت بانکی مؤثر معروف به بال ۳ را به‌روزرسانی نمود. طبق اصل دوم از اصول ۲۹ گانه نظارت بانکی مؤثر، تحت عنوان «استقلال، پاسخگویی، حمایت مالی و قانونی برای ناظران»[1]، به منظور نظارت مؤثر «ناظران باید دارای استقلال عملیاتی، فرآیندهای شفاف و حاکمیت سالم و فرآیندهای بودجه‌ای باشند، به طوری که استقلال آنها و کفایت منابع را تحت‌الشعاع قرار ندهد. ناظران همچنین دارای منابعی برای انجام وظایف خود بوده، و باید در قبال انجام وظایف خود و استفاده از منابع پاسخگو باشند. چارچوب قانونی برای نظارت بانکی شامل حمایت‌های لازم برای ناظران هم می‌شود».

استقلال مقام ناظر بانکی به این معنا است که مقام ناظر از فشارها و تأثیراتی که به منظور تعدیل اقدامات نظارتی او (در راستای حفظ سلامت و ثبات نظام بانکی) وارد می‌شود در امان باشد یا توان مقاومت در برابر این فشارها را داشته باشد[2]. استقلال در این معنا می‌تواند به دو صورت تصور شود:

- استقلال از دولت و مقامات حاکمیتی، که تضمین‌کننده عدم تأثیرگذاری فشارهای سیاسی است.
- استقلال از صنعت و شبکه بانکی تحت نظارت، که تضمین‌کننده عدم «مصادره به مطلوب مقررات و نظارت»[3] توسط صنعت تحت نظارت است.[4]

1. Core Principles for Effective Banking Supervision 2012
2. Barth, et al. 2002
3. Regulatory Capture
4. Quintyn and Taylor, Regulatory and Supervisory Independence and Financial Stability 2002

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

دو نوع عدم وابستگی مذکور در گزارش صندوق بین‌المللی پول نیز تحت عنوان استقلال عملیاتی ناظرین مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین گزارش سازمان‌های نظارتی باید قادر به مقاومت در مقابل دخالت‌های سیاسی نامناسب باشند همچنین باید در مقابل نفوذ نابجای مؤسسات مالی مقاوم باشند. این مسئله باید در فرایند عزل و نصب کارکنان ارشد، پایداری مالی سازمان و حمایت قانونی کافی از کارکنان منعکس شود. مدیران مؤسسات نظارتی نباید به نوعی نمایندگان صنعت بانکداری باشند[1].

هدف مطالعه حاضر، تبیین ابعاد و وضعیت ایران در استقلال مقام ناظر از شبکه بانکی است.

انجمن ناظران بانک‌های قاره آمریکا (ASBA)[2] در گزارش مشترکی که تحت عنوان «حاکمیت شرکتی در نهادهای ناظر بانکی»[3] در سال ۲۰۰۸ منتشر کرده است موارد گوناگون و متنوعی را به عنوان عوامل ایجادکننده بحران مالی در کشورهای مختلف مطرح نموده و به عدم تعادل‌های اقتصاد کلان، خطاهای آشکار در سیستم قانونی، ضعف نظام مالی و ساختار حاکمیت نهادهای نظارتی به عنوان عوامل اصلی بحران‌های مالی اشاره می‌نماید. در این گزارش اذعان می‌شود که هیچ چیز به‌اندازه نبود یا ضعف حاکمیت شرکتی در نهادهای نظارتی نمی‌تواند از اجرای اقدام‌های نظارتی ضروری و به موقع جلوگیری کند. در این گزارش، استقلال نهاد ناظر به عنوان یکی از عوامل ضروری در اجرای کامل فعالیت نظارتی معرفی شده است[4].

تیلور و کوینتین (۲۰۰۲)، در خصوص استقلال مقام ناظر بانکی، چهار بُعد را مطرح نموده‌اند: استقلال نهادی، استقلال مقررات، استقلال نظارتی و استقلال مالی. در این تحلیل، وجود چارچوب مناسب و متقن برای تضمین استقلال نهادی (سازمانی) و استقلال مالی (بودجه‌ای)، مقدمه ضروری تحقق استقلال مقرراتی و نظارتی معرفی شده است[5].

1. Viñals and Fiechter 2010
2. Association of Supervisors of Banks of the Americas
3. Corporate Governance in Bank Supervisory Agencies
4. Corporate Governance in Bank Supervisory Agencies 2006
5. Quintyn and Taylor, Regulatory and Supervisory Independence and Financial Stability 2002

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

در مطالعه فوق، یکی از پیش‌نیازهای ضروری برای تحقق استقلال مقرراتی و نظارتی، مغفول واقع شده است و آن پیشگیری از وقوع تعارض منافع در افراد شاغل در نهاد ناظر است، نکته‌ای که عمدتاً پس از وقوع بحران مالی مورد توجه محققان قرار گرفت. در واقع تا زمانی که گردش نیروی انسانی میان نهاد ناظر بانکی و شبکه بانکی تحت نظارت، غیرشفاف و فاقد ضوابط مشخص باشد، استقلال نظارتی و مقرراتی عملاً محقق نخواهد شد[۱].

اهمیت توجه به این موضوع به حدی زیاد است که از زیان‌های ناشی از عدم استقلال و رابطه ناصحیح ناظران به عنوان عامل از بین برنده اعتبار آژانس‌های نظارتی یاد می‌شود. در گزارش صندوق بین‌المللی پول آمده است که ناظران باید بتوانند با صنعت بانکداری ارتباط داشته باشند ولی این ارتباطات باید به گونه‌ای باشد که استقلال ناظران حفظ شود. سازمان‌ها باید سیاست‌هایی را در مورد گردش مالی نیروهای اختصاص یافته به امر نظارت و همچنین انتقال آنها به مؤسسات تحت نظارت در نظر بگیرند. به همان اندازه که چنین روابطی می‌تواند به توسعه درک عمیق از صنعت بانکداری کمک کند، می‌تواند به خطرات «ضبط نظارت[۲]» منجر شود. جایی که حرکت ناظران بین مؤسسات نظارتی و مؤسسات مالی بدون فاصله یا با فاصله کمی باشد موجب تضاد منافعی می‌شود که اگر مدیریت نشود ممکن است به اعتبار آژانس نظارتی صدمه وارد کند. کدهای اصول اخلاقی به حفظ و حراست از اراده اعمال نظارت در ناظرین که ممکن است به وسیله ارتباطات خدشه‌دار شود تأکید می‌کند.[۳]

در ایران، به دلیل آنکه عملاً مقام ناظر بانکی و مقام سیاست‌گذار پولی، هر دو در نهادی به نام بانک مرکزی متمرکز شده‌اند، بررسی استقلال مقام ناظر از شبکه بانکی، عملاً به معنی بررسی استقلال بانک مرکزی از شبکه بانک است. بر این اساس با الهام از چارچوب تحلیل تیلور و

1. Lucca, Seru and Trebbi 2014

۲. Regulatory capture (این اصطلاح مرتبط با نظریه جورج استگلر برنده جایزه نوبل اقتصاد است. طبق این نظریه ضبط نظارت زمانی اتفاق می‌افتد که سازمان‌های تنظیم‌گر که به منظور حفظ منافع مردم تشکیل شده‌اند، تحت سلطه صنایعی قرار می‌گیرند که بناست مورد تنظیم‌گری قرار گیرند و در نهایت در جهت منافع آن صنعت عمل می‌کنند.)

3. Viñals and Fiechter 2010

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

کوینتین (۲۰۰۲) و با توجه به یافته‌های پس از بحران مالی در خصوص استقلال مقام ناظر بانکی، می‌توان بیان داشت که الزامات و پیش‌نیازهای سه‌گانه ضروری برای تحقق استقلال نظارتی و مقرراتی مقام ناظر بانکی، عبارتند از:

- وابستگی سازمانی و نهادی: به این معنا که مقامات نظارتی و ارکان بانک مرکزی، در انتصاب، فعالیت و عزل، تحت تأثیر نظام بانکی باشند.
- وابستگی مالی: به این معنی که نحوه عملکرد نظام بانکی بر درآمدهای بانک مرکزی و مقامات آن، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اثرگذار باشد.
- وابستگی نیروی انسانی: به این معنا که نیروی انسانی فعال در بانک مرکزی (در لایه‌های کارشناسی و تصمیم‌گیری)، حین یا پس از خدمت، ارتباط رسمی یا غیررسمی با شبکه بانکی داشته باشد.

رعایت استقلال در محورهای یاد شده، می‌تواند تضمین‌کننده نظارت مؤثر و خالی از سلایق شخصی باشد. لازم به ذکر است که سنجش میزان استقلال مقام ناظر از شبکه بانکی، نیازمند شاخص‌سازی است و ارقامی نظیر میزان بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (خصوصاً میزان اضافه‌برداشت بانک‌ها) می‌تواند شاخص مناسبی در این خصوص باشد. اما این مقاله در صدد بررسی کمی میزان وابستگی بانک‌ها به بانک مرکزی نیست و صرفاً این وابستگی را از منظر قوانین و مقررات و در سه بعد ساختاری، مالی و نیروی انسانی مد نظر قرار داده است.

رعایت استقلال در سه بُعد فوق، مورد توصیه کمیته بال نیز قرار گرفته است. بخشی از معیارهای ضروری[1] برای اصل دوم بیانیه بال ۳ (استقلال، پاسخگویی، حمایت مالی و قانونی برای ناظران) به شرح زیر است[2]:

- استقلال عملیاتی، پاسخگویی و حاکمیت و مدیریت ناظران بانکی در قانون گذاری تبیین شده و به‌صورت عمومی افشا می‌شود.

1. Essential Criteria
2. Core Principles for Effective Banking Supervision 2012

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

- فرآیند انتصاب یا عزل رؤسای نظارتی یا مدیران هیئت نظارتی شفاف است. رؤسای ناظران، براساس شرایط تعیین می‌شوند و اگر قرار است که عزل شوند باید بر طبق مقررات صورت بگیرد همچنین دلایل عزل باید به‌صورت عمومی اطلاع‌رسانی شود.
- ناظران اهداف خود را منتشر می‌کنند و در یک چارچوب مشخصی از وظایف خود در ارتباط با آن اهداف پاسخگو می‌باشند.
- ناظران بانکی دارای رویه‌های داخلی حاکمیتی و ارتباطی بوده که آنها را جهت اتخاذ تصمیمات متناسب با موضوع توانمند می‌کند. این رویه‌ها همچنین برای گرفتن تصمیمات به موقع در مواقع اضطراری مفید هستند. شاکله حاکمیت به‌گونه‌ای باشد که از هرگونه تضاد منافع، جلوگیری شود.
- ناظران و همکاران آن دارای اعتبار مبتنی بر حرفه‌ای بودن و حیثیت شغلی خود هستند. در رابطه با اینکه چگونه از تضاد منافع جلوگیری و از اطلاعات به شکل مناسب استفاده کرد، قوانینی وجود دارد و چنانچه این مقررات رعایت نشود، محدودیت‌هایی به وجود می‌آید.
- ناظران بانکی برای ایجاد و انجام یک نظارت مؤثر، دارای منابع کافی می‌باشند. تأمین مالی برای امور نظارتی به شکلی انجام می‌شود که به استقلال فردی و عملیاتی ناظران لطمه وارد نکند.

چنانکه مشاهده می‌شود، استقلال سازمانی در بندهای اول و دوم، استقلال مالی در بند ششم و استقلال نیروی انسانی در بندهای چهارم و پنجم (ضمن موضوع تضاد منافع[1]) قابل برداشت است.

در خصوص استقلال مالی مقام ناظر، باید توجه داشت که اتکای بودجه نهاد ناظر بانکی بر عوارض دریافتی از بانک‌های تحت نظارت، امری است که در برخی کشورها مشاهده می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد نظام تأمین مالی مقام ناظر بانکی عمدتاً به دو صورت مشاهده می‌شود: در کشورهایی که بانک مرکزی عهده‌دار نظارت بر بانک‌ها است، عمدتاً تأمین مالی مقام ناظر از طریق بودجه عمومی انجام می‌شود. اما در کشورهایی که دارای مقام ناظر مستقل از بانک مرکزی

1. Conflict of Interests

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

هستند، مقام ناظر از طریق عوارض دریافتی از بانک‌های تحت نظارت تأمین مالی می‌شود. برخی کشورها نیز از مکانیسم ترکیبی استفاده می‌کنند.[1] اما باید میان دریافت عوارض مشخص و شفاف، با انتفاع از تخلفات بانک‌های تحت نظارت، تفاوت قائل شد. وابستگی مالی و بودجه‌ای مقام ناظر به بانک‌های تحت نظارت، زمانی منجر به ناکارآمدی نظارت می‌گردد که مقام ناظر از تخلفات بانک‌ها منتفع گردد یا دریافتی مقام ناظر از بانک‌های تحت نظارت فاقد قاعده روشن و شفافیت در عملکرد باشد.

رابطه نیروی انسانی فعال در بانک مرکزی (به عنوان مرجع نظارت بانکی) با شبکه بانکی را، که می‌تواند منجر به بروز تضاد منافع و ناکارایی نظارت شود، می‌توان در سه سطح مورد بررسی قرار داد:

۱. رابطه رسمی با شبکه بانکی در حین خدمت در بانک مرکزی: تضاد منافع در این سطح را می‌توان در سهامداری بانک‌های خصوصی، تصدی سمت موظفی و یا غیرموظفی در هیئت مدیره و... مورد بررسی قرار داد.

۲. رابطه غیررسمی نیروی انسانی فعال در بانک مرکزی با شبکه بانکی: با توجه به اینکه بانک مرکزی محل جمع‌آوری اطلاعات از تمام شبکه بانکی همچنین طراحی فرآیندهای نظارتی است، تضاد منافع در این سطح می‌تواند با ارائه مشاوره، ارائه اطلاعات یا در نظر گرفتن مصالح برخی از بانک‌ها در تصمیم‌گیری و... بروز یابد و موجب اختلال در رقابت صحیح در نظام بانکی کشور شود.

۳. رابطه رسمی و غیررسمی پس از اتمام فعالیت نیروی انسانی فعال در بانک مرکزی با شبکه بانکی: نحوه نظارت نهاد ناظر می‌تواند به دلیل امید حضور تصمیم‌گیران فعلی (شاغلان نهاد نظارتی)، در شبکه بانکی برای سال‌های پس از بازنشستگی، دچار انحراف و یا مماشات گردد. همچنین تصدی سمت‌های مدیریتی در نهاد ناظر توسط افرادی که سابقه فعالیت در شبکه بانکی را دارند، می‌تواند موجب جانبداری و نقض رقابت گردد.

1. Masciandaro, Nieto and Prast, Who pays for banking supervision? Principles and practices 2007

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

تعاملات میان نیروی انسانی شاغل در بخش خصوصی و بخش حاکمیتی و گردش نیروی انسانی میان این دو بخش، با اصطلاح «درب گردان»[1] در ادبیات مورد اشاره قرار می‌گیرد. در واقع پدیده «درب گردان» به معنی فعالیت نیروی انسانی بخش دولتی، در بخش خصوصی پس از اتمام دوره فعالیت در بخش دولتی و یا فعالیت نیروی انسانی بخش خصوصی در بخش دولتی پس از پایان دادن به فعالیت‌های بخش خصوصی است.

طبق تئوری درب گردان، تحرک شغلی قاعده‌گذار با بخش خصوصی به وسیله رشوه ضمنی از طریق شغل پر درآمد در آینده، کیفیت نظارت و قاعده‌گذاری بخش دولتی را متأثر می‌کند. این پدیده ممکن است باعث نفوذ بانک‌ها در مقررات‌گذاری و نظارت گردد و لذا به عنوان یکی از دلایل شکست نظارت و قاعده‌گذاری شناخته می‌شود[2].

بررسی این پدیده در بخش بانکی، به طور خاص پس از بحران مالی ۲۰۰۸ وارد ادبیات پژوهشی اقتصادی شده است. پدیده درب گردان یکی از علل اصلی وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ دانسته شده است. این پدیده که در کشورهای صنعتی فراگیر است، منجر به تعارض منافعی می‌شود که می‌تواند لطمات جدی برای اقتصاد داشته باشد[3].

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) نیز پس از وقوع بحران مالی ۲۰۰۸، نقش پدیده درب‌گردان در وقوع بحران را مورد مطالعه قرار داد و بر لزوم وضع قواعد و فرایندهای مناسب برای کنترل تعارض منافع ناشی از این پدیده تأکید نمود. از جمله میلر و دینان (۲۰۰۹) با تمرکز بر بخش مالی، گستردگی پدیده درب گردان را در ۱۰ سازمان مقررات‌گذار مالی از ۸ کشور، و همچنین ۱۱۶ شرکت بزرگ مالی حاضر در لیست فورچون گلوبال ۵۰۰[4] را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها حاکی از گستردگی قابل توجه پدیده درب‌گردان در هر دو جهت (از بخش خصوصی به دولتی و برعکس)

1. Revolving door
2. Lucca, Seru and Trebbi 2014
3. Brezis and Cariolle 2015
4. Fortune Global 500

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

است[1]. همچنین در گزارش سال ۲۰۱۰ این سازمان در خصوص اشتغال پسادولتی[2]، به بررسی تجربیات کشورهای مختلف در مدیریت پدیده درب‌گردان پرداخته‌اند[3].

کانایاز و همکاران (۲۰۱۵) نشان داده‌اند: در صورتی که یکی از شاغلین آینده یک بنگاه اقتصادی، دارای یک پست (سمت) قبلی در بخش دولتی بوده باشد، قراردادهای دولتی با ارزش‌تری نصیب آن بنگاه می‌شود. همچنین آنها نشان داده‌اند در مقاطعی که جابجایی‌های از نوع درب گردان، از طریق مقررات و آیین‌نامه‌ها محدود شده است، این منافع به صورت قابل توجهی کاهش یافته است[4].

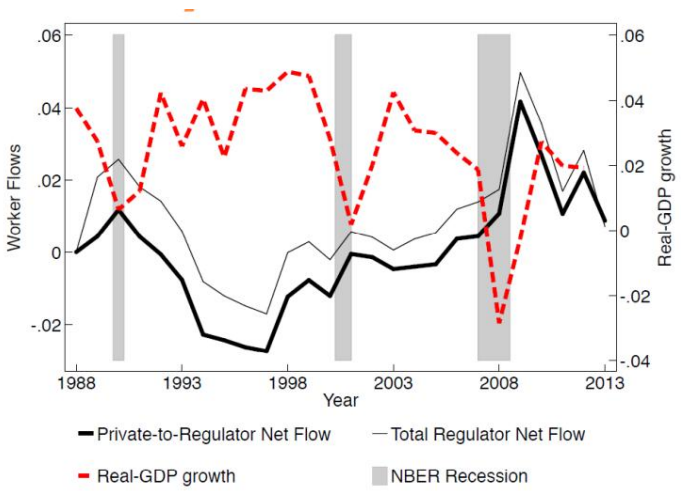
شیو و فورتسر (۲۰۱۵) با بررسی سابقه بیش از ۴۰۰۰ نفر، به تحلیل پدیده درب‌گردان در نظام مالی آمریکا در فاصله ۲۰۱۴-۲۰۰۱ پرداخته‌اند. این مطالعه جابجایی نیروی انسانی میان ۷۹۹ شرکت خصوصی منتخب فعال در نظام مالی آمریکا و ۶ نهاد مقررات‌گذاری و نظارتی آمریکا را بررسی نموده است. شواهد حاکی از آن است که متوسط تعداد مدیران در هر شرکت خصوصی مالی، که دارای سابقه اشتغال در بخش مقررات‌گذاری بوده‌اند، طی این مدت ۳۳٪ رشد داشته است. این مطالعه نشان می‌دهد در روز اعلام استخدام این اشخاص در شرکت‌های خصوصی، سهام این شرکت‌ها به طور میانگین ۰.۸٪ افزایش بازدهی داشته است[5].

یکی از مهمترین مطالعات در این راستا، پژوهش لوکا[6] و همکاران (۲۰۱۴) است که در مقاله خود با عنوان «درب گردان و جریان نیروی کار در مقررات بانکی»[7] به بررسی پدیده «درب گردان» و تحلیل روند آن در بخش بانکی آمریکا پرداخته‌اند. در این مقاله با بررسی سوابق ۳۵۰۰۰ نفر از افرادی که سابقه کار در بخش بانکی (بخش خصوصی یا بخش مقررات‌گذار) را داشته‌اند، به بررسی روند پدیده درب گردان و تحلیل تغییرات آن پرداخته شده است.

1. Miller and Dinan 2009
2. Post-Public Employment
3. OECD 2010
4. Canayaz, Martinez and Ozsoylev 2015
5. Shive and Forster 2015
6. Daviv Lucca
7. Revolving door and worker flows in banking regulation

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

طبق نتایج به دست آمده در این مقاله، رابطه قوی ضد چرخه‌ای بین چرخه‌های رکود و رونق و جریان خالص ورودی نیروی انسانی، از بخش خصوصی به بخش دولتی وجود دارد. بدین معنی که در دوران رونق روند انتقال نیروی انسانی از بخش مقررات‌گذاری (بانک مرکزی و فدرال‌رزرو ایالات) به بخش خصوصی (بانک‌ها، مؤسسات اعتباری غیربانکی و...) افزایش می‌یابد و نهادهای ناظر قادر به حفظ نیروی انسانی خود در دوره‌های رونق نمی‌باشند.



نمودار ۱. تأثیر نوسانات اقتصادی بر خروج نیروی انسانی از بخش‌های حاکمیتی (مقررات‌گذاری و نظارتی) به بخش خصوصی[1]

همچنین این مطالعه نشان می‌دهد مسئله خروج کارمندان بخش حاکمیتی به بخش خصوصی در دوره‌های رونق، در میان افراد متخصص (دارای درجه کارشناسی ارشد به بالا) و با تجربه (صاحب سوابق مدیریتی) شدیدتر است. در واقع این دو گروه، که صاحب سرمایه انسانی بالاتری هستند، در پاسخ به چرخه‌های تجاری، با تأخیر بیشتری به بخش مقررات‌گذار وارد می‌شوند، و با سرعت بیشتری بخش مقررات‌گذار را ترک می‌کنند[2]. بر این اساس، یکی از دلالت‌های این

1. Lucca et al. 2014
2. Lucca, Seru and Trebbi 2014

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

پژوهش، «چالش نگهداری»[1] در بخش مقررات‌گذار نظام مالی است که لزوم توجه بیشتر به نگهداری و حفظ نیروی انسانی آموزش دیده در بخش حاکمیتی (مقررات‌گذار و ناظر) را ضروری می‌نماید.

نکته قابل توجه در خصوص انطباق دلالت‌های سیاستی این مطالعه بر ایران، آن است که توسعه بانک‌های خصوصی در نظام بانکی ایران در دهه ۸۰ و ۹۰ را می‌توان معادل یک دوره رونق شدید در بخش بانکی دانست که کشش بالایی برای انتقال نیروی انسانی با سرمایه انسانی بالا، از بخش مقررات‌گذار به بخش خصوصی فراهم کرده است. این امر لزوم رسیدگی به موضوع «درب گردان» در نظام بانکی ایران را ضروری‌تر می‌سازد.

یکی از جدیدترین مطالعات در این زمینه نیز پژوهش عجم اوغلو و همکاران (۲۰۱۶) است که نشان داده‌اند داشتن ارتباطات شخصی با مقامات اجرایی رده بالا، می‌تواند موجب تغییرات جدی در ارزش (بازدهی) سهام شرکت‌های خصوصی شود. این پدیده (تأثیر زیاد ارتباطات سیاسی)، پیش از این عمدتاً در کشورهایی مشاهده می‌شد که دارای نهادهای ضعیف در سطح ملی (و فساد زیاد) بودند. اما این مطالعه نشان می‌دهد که حتی در کشورهای دارای نهادهای قوی نیز، حداقل در شرایط بحران مالی و افزایش قدرت صلاحدیدی دولت، این پدیده به صورت جدی دیده می‌شود[2].

٤. بررسی رابطه ساختاری بانک مرکزی و شبکه بانکی در ایران

جهت بررسی وضع موجود رابطه نهادی و ساختاری شبکه بانکی با بانک مرکزی باید در ابتدا بازیگران تأثیرگذار در نظام بانکی و نحوه فعالیت و وظایف آنها بررسی شود. سپس جایگاه و نقش این بازیگران در ارکان مقررات‌گذاری و نظارتی بانک مرکزی مورد بررسی قرار گیرد. در حال حاضر شورای هماهنگی بانک‌ها و کانون بانک‌های خصوصی به عنوان دو تشکل صنفی

1. Retention challenge
2. Acemoglu, et al. 2016

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

بانکی فعال در کشور حاضر هستند. از سوی دیگر نیز مهمترین ارکان مقرراتی و نظارتی بانک مرکزی که وابستگی ساختاری و سازمانی آنها به شبکه بانکی مورد بررسی قرار گیرد، عبارتند از مجمع عمومی، شورای پول و اعتبار، هیئت عامل، هیئت نظارت اندوخته اسکناس، هیئت نظار، هیئت انتظامی بانک‌ها و کمیسیون‌های تخصصی بانک مرکزی. در این بخش، اعضای ارکان فوق، ضوابط عزل و نصب آنها و نقش شبکه بانکی در این ارکان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

٤-١. نهادهای تأثیرگذار درون شبکه بانکی

قبل از انقلاب اسلامی کلیه بانک‌هایی که در ایران فعال بودند، عضو کانون بانک‌ها شناخته می‌شدند و این کانون دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی بود.[۱] در سال ۱۳۵۸ کانون بانک‌های ایران منحل اعلام گردید[۲] و برخی وظایف آن به شورای عالی بانک‌ها واگذار شد[۳]. در سال ۱۳۸۶ مجدداً این شورا منحل اعلام و وظایف آن به هیئت مدیره بانک‌ها واگذار شد[۴]. در حال حاضر دو نهاد صنفی در نظام بانکی ایران وجود دارد که عبارتند از شورای هماهنگی بانک‌ها و کانون بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی.[۵]

شورای هماهنگی بانک‌ها در حال حاضر فاقد محمل قانونی است، به این معنا که وظایف و اختیارات قانونی ندارد. اما بر اساس آیین‌نامه داخلی که به تصویب بانک‌های عضو رسیده است اداره می‌شود. بنابر ماده (۴) این آیین‌نامه، حمایت از حقوق، مصالح و منافع بانک‌ها و بررسی و

---

۱. ماده (۳۸) قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ و اساسنامه مصوب شورای پول و اعتبار.

۲. طبق لایحه قانونی انحلال کانون بانک‌ها مصوب ۱۳۵۸/۱۲/۱۸.

۳. به موجب ماده ۱۳ لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها.

۴. به موجب ماده (۶) قانون «تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و تسریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارآیی بانک‌ها».

۵. باید توجه داشت که هیچ‌یک از دو نهاد صنفی نامبرده (شورای هماهنگی بانک‌ها و کانون بانک‌های خصوصی)، با «کانون بانک‌ها» که در ماده (۳۸) قانون پولی و بانکی ذکر شده، قابل قیاس نیستند. در واقع دو نهاد صنفی فوق فاقد هرگونه اختیارات قانونی می‌باشند، در حالی‌که «کانون بانک‌ها» در قانون پولی و بانکی دارای اختیارات وسیعی بود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

اظهار نظر در مسائل بانکی، پولی، مالی و اقتصادی و تهیه و تنظیم و ارائه پیشنهادات لازم به شورای عالی بانک‌ها و سایر مراجع ذیربط جزو وظایف شورای هماهنگی بانک‌هاست.

کانون بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی در سال ۱۳۸۳ توسط بانک‌های اقتصادنوین، پارسیان، کار آفرین، سامان و نیز مؤسسه اعتباری توسعه به ثبت رسید[۱] و از آن زمان تاکنون بانک‌های تازه تأسیس به این کانون پیوسته‌اند. ایجاد هماهنگی بین بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی عضو، دفاع از حقوق و منافع عمومی و صنفی مشترک بانک‌ها و مؤسسات اعتباری عضو کانون و تقبل نمایندگی آنها در برابر سایر مراجع کشور از جمله اهداف ذکرشده در اساسنامه این نهاد است[۲].

بر این اساس روشن می‌گرد که «دفاع از حقوق، مصالح و منافع بانک‌ها» یکی از وظایف هر دو نهاد فوق دانسته شده و لذا هر دو نهاد مذکور را می‌توان تشکل‌های صنفی بانکی دانست.

٤-۲. ارکان مقررات‌گذاری و نظارتی بانک مرکزی

طبق ماده (۱۶) قانون پولی و بانکی کشور بانک مرکزی ایران دارای ارکان ذیل است:

- مجمع عمومی: مسئول رسیدگی و تصویب ترازنامه بانک مرکزی، اتخاذ تصمیم درباره پیشنهاد تقسیم سود ویژه، انتخاب اعضاء هیئت نظار به پیشنهاد وزیر دارایی و رسیدگی و اتخاذ تصمیم نهایی نسبت به گزارش‌های هیئت نظار[۳]
- شورای پول و اعتبار: عهده‌دار مطالعه و اتخاذ تصمیم درباره سیاست کلی بانک مرکزی ایران و نظارت بر امور پولی و بانکی کشور، رسیدگی و تصویب سازمان و بودجه و مقررات استخدامی و آیین‌نامه‌های داخلی بانک مرکزی، رسیدگی و اظهار نظر نسبت به ترازنامه بانک مرکزی

۱. با استناد به ماده ۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه مصوب دی ماه ۱۳۷۱ هیئت وزیران در اداره کل سازمان‌های کارگری و کار فرمایی

۲. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۶۹۲ (۱۳۹۱/۴/۲۸).

۳. ماده (۱۷) قانون پولی و بانکی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

ایران برای طرح در مجمع عمومی، رسیدگی و تصویب آیین‌نامه‌های مذکور در قانون پولی و بانکی، و اظهار نظر در مسائل بانکی و پولی و اعتباری کشور. اعضای شورای پول و اعتبار طبق اصلاحات قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه عبارتند از: وزیر امور اقتصادی و دارایی یا معاون وی، رئیس کل بانک مرکزی، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور یا معاون وی، دو تن از وزراء به انتخاب هیئت وزیران، وزیر صنعت، معدن و تجارت، دو نفر کارشناس و متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و تأیید ریاست جمهوری، دادستان کل کشور یا معاون وی، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، رئیس اتاق تعاون، نمایندگان کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی (هر کدام یک نفر) به عنوان ناظر با انتخاب مجلس.

- هیئت عامل: مرکب از رئیس کل، قائم‌مقام، دبیر کل بانک و سه نفر معاونین وی، عهده‌دار کلیه امور بانک مرکزی به استثناء وظایفی است که به موجب قانون به‌عهده ارکان دیگر بانک گذارده شده است.
- هیئت نظارت اندوخته اسکناس: عهده‌دار نظارت بر حسن اجرای مفاد ماده (۵) قانون پولی و بانکی کشور (چاپ، نگاهداری و معدوم نمودن اسکناس‌ها و...).
- هیئت نظار: مسئول رسیدگی به صورت ریز دارایی‌ها و بدهی‌ها و خلاصه حساب‌ها و ترازنامه پایان سال بانک مرکزی ایران و تهیه گزارش برای مجمع عمومی سالانه است[1]. این هیئت مرکب از یک نفر رئیس و چهار نفر عضو از میان حسابرسان خبره یا افراد مطلع در امور حسابداری یا بانکی با داشتن حداقل ده‌سال سابقه کار است که به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب مجمع عمومی برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان

۱. ماده (۲۲) قانون پولی و بانکی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

بلامانع است. حقوق و مزایای هیئت نظار از طرف وزیر دارایی تعیین و از بودجه وزارت دارایی قابل پرداخت است.[۱]

با توجه به اعضای ارکان بانک مرکزی و ضوابط تعیین شده برای نصب و عزل آنها، می‌توان بیان داشت که استقلال ساختار بانک مرکزی (به عنوان مقام ناظر) از شبکه بانکی در قوانین تأمین شده است[۲]. اما علاوه بر ارکان بانک مرکزی که در قانون پولی و بانکی نام برده شده‌اند، هیئت انتظامی بانک‌ها و همچنین کمیسیون‌های تخصصی بانک مرکزی به دلیل دارا بودن وظایف و اختیارات مقرراتی و نظارتی مهم، باید مورد بررسی قرار گیرند.

- هیئت انتظامی بانک‌ها: طبق قانون پولی و بانکی، هیئت انتظامی مرجع رسیدگی به موارد تخلف بانک‌ها از قانون پولی و بانکی و صدور حکم به مجازات‌های انتظامی است. این هیئت از نماینده دادستان‌کل، یک نفر از مدیران عامل بانک‌ها، و یک نفر از اعضای شورای پول و اعتبار به انتخاب شورا تشکیل شده است و دبیر کل بانک سمت دادستان هیئت را دارد.[۳]

علی‌رغم آنکه این هیئت دارای شأن مهم نظارتی است، اما ترکیب آن قابل نقد است. نخست آنکه، مدیران بخش نظارت بانک مرکزی در هیئت انتظامی بانک‌ها عضویت ندارند. دوم و مهم‌تر، حضور یک نماینده از بانک‌ها (یکی از مدیران عامل بانک‌ها) در این هیئت است. با توجه به اینکه هیئت انتظامی بانک‌ها، مرجع رسیدگی کننده به تخلفات بانک‌ها است،

---

۱. ماده (۲۳) قانون پولی و بانکی

۲. هرچند شبکه بانکی به لحاظ ساختاری و سازمانی تأثیر سیستماتیک بر تصمیمات حاکمیتی بانک مرکزی ندارد، ولی در صورتی که تأثیرگذاری بخش خصوصی بر سیاست‌های پولی و نظارت بر شبکه بانکی توسط مقام پولی را در نظر بگیریم، تداخل بخش خصوصی و حاکمیت در ساختار شورای پول و اعتبار قابل مشاهده است. در حال حاضر دو تن از اعضای شورای پول و اعتبار، که صاحب حق رأی نیز می‌باشند، وابسته به بخش غیردولتی هستند (یعنی رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، رئیس اتاق تعاون). عضویت این افراد به عنوان عضو ناظر و به منظور اعلام نظرات بخش خصوصی، فاقد اشکال و بلکه مفید است، لیکن اعطای حق رأی به ذی‌نفعان بخش خصوصی در امور حاکمیتی محل تأمل جدی است.

۳. ماده (۴۴) قانون پولی و بانکی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

بدیهی‌ترین قواعد پیشگیری از «تعارض منافع»[1] اقتضا می‌کند که اعضای این هیئت مستقل از شبکه بانکی باشند.

- کمیسیون‌های تخصصی بانک مرکزی: بانک مرکزی دارای کمیسیون‌های تخصصی مختلفی است که همگی تحت نظر رئیس کل و به منظور کمک به اتخاذ تصمیم در حوزه‌های تخصصی فعالیت می‌کنند. کمیسیون اعتباری، کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری، کمیسیون ارزی و... از این قبیل هستند. هرچند این کمیسیون‌ها به لحاظ شأن قانونی، قابل مقایسه با هیئت انتظامی بانک‌ها نیستند، اما از آنجا که برخی تصمیمات اتخاذ شده در آنها منشأ بروز یا تخصیص رانت‌های قابل توجهی در نظام بانکی است، می‌تواند بر شئون مقررات‌گذاری و نظارت بانک مرکزی و استقلال مقام ناظر اثرگذار باشد. با این وجود، مصوبات این کمیته شفاف نبوده و اطلاع‌رسانی در این خصوص انجام نمی‌شود. با توجه به اینکه اعضای این کمیسیون‌ها توسط بانک‌ها شناخته شده هستند ولی مذاکرات و مصوبات کمیسیون‌ها شفاف نمی‌گردد، ممکن است در معرض تعارض منافع قرار گرفته و عملکرد نظارت بانکی و سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی با اختلال مواجه شود.

۵. بررسی رابطه مالی بانک مرکزی و شبکه بانکی در ایران

تحلیل رابطه مالی میان بانک مرکزی و شبکه بانکی از این جهت حائز اهمیت است که انتفاع بانک مرکزی یا مدیران آن از عملیات یا تخلفات بانک‌ها، ممکن است در ایفای صحیح نقش نظارت و سیاست‌گذاری بانک مرکزی برای شبکه بانکی ایجاد اخلال نماید. رابطه مالی بانک مرکزی و شبکه بانکی را می‌توان با بررسی روش تعیین و پرداخت حقوق و مزایای ارکان بانک مرکزی و همچنین درآمدهایی که حاصل از عملیات یا تخلفات شبکه بانکی است و مستقیماً در صورت سود و زیان بانک مرکزی به عنوان درآمد درج می‌شود، تحلیل نمود.

1. Conflict of Interests

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

- حقوق و مزایای رئیس کل و قائم‌مقام رئیس کل بانک مرکزی ایران از طرف مجمع عمومی تعیین و از بودجه بانک پرداخت می‌شود. همچنین حقوق و مزایای دبیر کل و معاونان بانک به پیشنهاد رئیس کل و تصویب مجمع عمومی تعیین و از بودجه بانک پرداخت می‌شود.[۱]
- از سوی دیگر ترازنامه بانک مرکزی که نمایانگر درآمدها و هزینه‌های بانک مرکزی می‌باشد، توسط هیئت نظار تهیه می‌گردد. برای رعایت استقلال مالی اعضای این هیئت، حقوق و مزایای هیئت نظار از طرف وزیر دارایی تعیین و از بودجه وزارت اقتصاد و امور دارایی پرداخت می‌شود.[۲]

بنابراین ظاهراً به نظر می‌رسد رابطه مالی مستقیمی میان ارکان بانک مرکزی و شبکه بانکی در قوانین وجود ندارد. اما بررسی صورت سود و زیان بانک مرکزی نیز به منظور فهم رابطه مالی میان بانک مرکزی و شبکه بانکی ضروری است. سود ویژه بانک مرکزی که حاصل بررسی صورت سود و زیان و جریان درآمدها و هزینه‌های این بانک می‌باشد، در هر سال به شرح زیر تقسیم می‌شود[۳]:

۱. پرداخت مالیات بر درآمد به حساب درآمد عمومی دولت بر اساس مقررات مربوط به شرکت‌های دولتی.

۲. ده درصد برای اندوخته قانونی تا وقتی که اندوخته مزبور معادل سرمایه بانک بشود.

۳. مبلغی به پیشنهاد رئیس کل بانک و تصویب مجمع عمومی برای اندوخته احتیاطی.

۴. مبلغی به پیشنهاد رئیس کل بانک و تصویب مجمع عمومی برای انتقال به حساب سال بعد.

۵. باقی‌مانده سود ویژه پس از تقسیمات مقرر ذکر شده متعلق به دولت خواهد بود.

بنابراین ظاهراً افزایش درآمدهای موجود در ترازنامه (به عنوان مثال درآمدهای ناشی از تخلفات بانک‌ها در اضافه برداشت از بانک مرکزی)، منفعت مشخصی برای بانک مرکزی نخواهد

---

۱. ماده ۲۰ قانون پولی و بانکی

۲. ماده (۲۳) قانون پولی و بانکی

۳. ماده (۲۵) قانون پولی و بانکی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

داشت[1]. با بررسی ترازنامه سال ۱۳۹۱ بانک مرکزی، مهمترین سرفصل‌های درآمد و هزینه، و همچنین نحوه تقسیم سود ویژه در این سال مشخص می‌شود. درآمدها، هزینه‌ها و نحوه تقسیم سود ویژه بانک مرکزی در سال ۱۳۹۱ در جداول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. درآمدهای بانک مرکزی در پایان اسفند ۱۳۹۱

اقلام درآمد بانک مرکزی	مبلغ درآمد (میلیارد ریال)
درآمد حاصل از سپرده و سرمایه‌گذاری در خارج از کشور	۱۸۰۱۶
سود حاصل از تسهیلات اعطایی	۶۲۴۶
کارمزد خدمات بانکی دریافتی	۱۰۷
نتیجه معاملات ارز و طلا	۴۱۰۳
سود اوراق مشارکت خریداری شده	۵۴۸۴
سایر درآمدها	۲۱۴۷۴
مجموع درآمدها	۵۵۴۳۰

مأخذ: ترازنامه و حساب سود و زیان بانک مرکزی – سال ۱۳۹۱

۱. باید توجه داشت که این شیوه تقسیم سود ویژه بانک مرکزی، موجب انتفاع دولت و به بیان دیگر موجب وابستگی دولت به درآمد از بانک مرکزی می‌شود. این مسئله می‌تواند انگیزه مداخلات دولت در سیاست‌های پولی و نظارتی بانک مرکزی را افزایش داده و موجب کاهش استقلال بانک مرکزی از دولت شود. البته این مسئله در مقاله حاضر مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و می‌تواند موضوع مطالعه دیگری باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

جدول ۲. هزینه‌های بانک مرکزی در پایان اسفند ۱۳۹۱

اقلام هزینه بانک مرکزی	مبلغ هزینه (میلیارد ریال)
هزینه دریافت اعتبارات و اضافه برداشت از بانک‌های خارج	۱۶۸
سود پرداختی به حساب‌های ارزی	۱۹
جایزه سپرده قانونی بانک‌ها	۴۵۵۰
سود پرداختی بابت سپرده ویژه بانک‌ها	۲۴۲
کارمزد خدمات بانکی پرداختی	۲۳۷۶
سود پرداختی بابت اوراق مشارکت منتشره بانک مرکزی	۲۰۳۰
هزینه‌های اداری و پرسنلی	۳۶۱۲
هزینه‌های نشر پول و چاپ متفرقه	۱۰۷۴
هزینه استهلاک دارایی‌های ثابت	۱۱۱
سایر هزینه‌ها	۳
مجموع هزینه‌ها	۱۴۱۸۶

مأخذ: ترازنامه و حساب سود و زیان بانک مرکزی – سال ۱۳۹۱

جدول ۳. نحوه تقسیم سود ویژه بانک مرکزی در پایان اسفند ۱۳۹۱

اقلام سود ویژه بانک مرکزی	مبلغ (میلیارد ریال)
مالیات بر درآمد	۹۲۰۱
انتقال به اندوخته قانونی	۴۱۲۴
انتقال به اندوخته احتیاطی	۶۰۰۰
سهم دولت از سود ویژه	۲۱۷۳۴
نیم درصد موضوع قانونی تهیه مسکن برای افراد کم‌درآمد	۱۸۴
مانده سود ویژه نقل به سال بعد	۰
مجموع سود ویژه	۴۱۲۴۴

مأخذ: ترازنامه و حساب سود و زیان بانک مرکزی – سال ۱۳۹۱

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

در حال حاضر، جریمه‌های دریافتی بانک مرکزی از محل اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی (در واقع کسری سپرده قانون بانک‌ها نزد بانک مرکزی)، در ردیف «سایر درآمدها» منظور می‌گردد. همچنین ترازنامه سال ۱۳۹۱ نشان می‌دهد که این ردیف به لحاظ عددی بیش از همه ردیف‌های درآمدی است. لذا به نظر می‌رسد عدم شفافیت این بخش از درآمدها در عملکرد بهینه بانک مرکزی خلل ایجاد نماید.

باید توجه داشت که منظور شدن جریمه اضافه برداشت بانک‌ها به عنوان درآمد بانک مرکزی، موجب می‌شود تخلف بانک‌ها از قوانین و مقررات، منتج به افزایش درآمدهای بانک مرکزی شود. از سوی دیگر اصلاح ارقام مربوط به درآمدها و هزینه‌های کلیه شرکت‌های دولتی، از جمله بانک مرکزی، نسبت به ارقام تصویب شده در قوانین بودجه سالانه، صرفاً با مصوبه مجمع عمومی شرکت امکان‌پذیر است[1] (ابوحمزه, ۱۳۹۴).

بنابراین در صورت افزایش درآمدهای بانک مرکزی از ناحیه اضافه برداشت بانک‌ها، این امکان وجود دارد که با تصویب مجمع عمومی، هزینه‌های این بانک (اعم از هزینه‌های پرسنلی و یا سرمایه‌گذاری‌های بانک) نیز افزایش یابد. بنابراین افزایش تخلفات شبکه بانکی منجر به انتفاع بالقوه بانک مرکزی می‌گردد و این موضوع می‌تواند بسیار خطرناک باشد.

البته باید توجه داشت که خطرناک بودن این موضوع، به دلیل شرایط خاص اقتصاد ایران است. در صورتی که بانک مرکزی دارای هدف تورمی مشخص بوده و پای‌بندی به این هدف تورمی برای مقامات بانک مرکزی دارای اهمیت بالایی (از لحاظ شهرت[2] یا به موجب قرارداد[3]) باشد، بانک مرکزی در یک بده بستان میان منافع مالی و مضرات شهرتی قرار می‌گیرد. در واقع در صورت وجود و پایبندی به هدف تورمی، می‌توان انتظار داشت که منافع مالی که از تخلفات بانک‌ها (اضافه برداشت) عاید بانک مرکزی می‌شود، در مقابل هزینه شهرتی که در اثر افزایش

۱. البته مشروط به ثابت ماندن ردیف‌های مربوط به سود ویژه و مالیات، در جداول بودجه شرکت‌های دولتی.

2. Reputation

3. Contract

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

نرخ تورم (ناشی از افزایش پایه پولی) برای بانک مرکزی به وجود خواهد آمد، ناچیز جلوه کند. اما در شرایطی نظیر ایران که نرخ‌های تورم دورقمی در آن مزمن شده و به عنوان «هسته سخت» تورم شناخته می‌شود، نوسانات تورمی چند درصدی نیز ناچیز جلوه کرده و منافع مالی ناشی از تخلفات بانک‌ها می‌تواند خطرناک باشد.

٦. بررسی رابطه نیروی انسانی فعال در شبکه بانکی و بانک مرکزی در ایران

استقلال نیروی انسانی مقام ناظر و پیشگیری از وقوع تعارض منافع در این حوزه از این جهت دارای اهمیت است که مناسب‌ترین افراد برای تصدی پست‌های دولتی در حوزه نظارتی، افرادی هستند که صاحب بیشترین تجربه و دانش در خصوص ساختار، مسائل و روند نظام مالی هستند. اما عموماً چنین افرادی دارای سابقه فعالیت در نهادهای مالی تحت نظارت می‌باشند و بسیاری از آنها دارای روابط نزدیک حرفه‌ای و شخصی درون شبکه بانکی هستند. به همین دلیل برای آنها دشوار خواهد بود که حتی در صورت فاصله گرفتن از بانک پیشین، به طور کامل از روابط، سرمایه‌گذاری‌ها، فعالیت‌ها و محیط‌های پیشین که منتج به تعارض منافع می‌گردد، جدا شوند[1].

بررسی وضع موجود رابطه نیروی انسانی بانک مرکزی و شبکه بانکی در دو لایه قابل انجام است. نخست، در لایه قوانین و مقررات، محدودیت‌ها یا الزاماتی که برای انتقال نیروی انسانی از بانک مرکزی به شبکه بانکی یا بالعکس وجود دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس وضعیت پدیده «درب گردان» یا انتقال نیروی انسانی بین نهادهای مقرراتی - نظارتی و بخش خصوصی، در عمل، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. لازم به ذکر است که یقیناً پدیده درب گردان، در صورت پیروی از چارچوب‌های معین، می‌تواند اثرات مثبتی از قبیل انتقال تجربه و دانش از بخش خصوصی به حاکمیت و بالعکس داشته باشد. اما در صورتی که این روابط فاقد ضوابط مشخص باشند، موجب ناکارآمدی در انجام وظایف حاکمیتی مقام ناظر خواهد شد.

1. Corporate Governance in Bank Supervisory Agencies 2006.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

٦-١. پدیده «درب گردان» در قوانین و مقررات

محدودیت‌ها و الزامات وضع شده در قوانین و مقررات به منظور کنترل و مدیریت پدیده «درب گردان»، شامل محدودیت در ارتباطات حین خدمت (رسمی و غیررسمی) و همچنین محدودیت‌های پس از بازنشستگی می‌گردد.

در خصوص محدودیت‌های حین خدمت، طبق مواد ۲۰ و ۲۳ قانون پولی و بانکی، «اعضای هیئت عامل و هیئت نظار بانک مرکزی در دوران تصدی خود مشمول قانون منع مداخله وزراء و نمایندگان و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری هستند و نباید صاحب سهم بانک‌ها یا مؤسسات اعتباری خصوصی باشند». این افراد در دوران تصدی خود «نمی‌توانند در دستگاه‌های دولتی یا خصوصی سمت موظفی دارا باشند. قبول سمت‌های غیرموظف فقط در مؤسسات خیریه و اجتماعی و تدریس در دانشگاه‌ها یا مؤسسات آموزش عالی در مورد رئیس کل و قائم‌مقام رئیس کل بانک مرکزی ایران با تصویب مجمع عمومی و در مورد سایر اعضای هیئت عامل با موافقت رئیس کل بانک مرکزی ایران ممکن‌خواهد بود».[1] همچنین مطابق تبصره ماده ۵۱ آیین‌نامه نحوه تأسیس و اداره مؤسسات اعتباری غیردولتی مصوب ۱۳۹۳/۱۰/۲۸، «عضویت کارمندان دولت در هیئت مدیره مؤسسه اعتباری، در صورتی که به عنوان نماینده سهام دولت باشد، با رعایت قوانین و مقررات مربوط، مجاز می‌باشد». بر این اساس، در صورتی که هریک از کارمندان دولت (از جمله بانک مرکزی)، با عنوانی غیر از نماینده سهام دولت، عضو هیئت مدیره هریک از مؤسسات اعتباری باشند، خلاف مقررات فوق‌الذکر خواهد بود.

به منظور کنترل ارتباطات غیررسمی نیروی انسانی شاغل در بانک مرکزی با شبکه بانکی، تنها سازوکار پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات، «سوگند» است که صرفاً برای اعضای ارکان بانک مرکزی وضع شده است: «رئیس کل بانک، قائم‌مقام رئیس کل، دبیر کل و معاونان بانک و

۱. مواد (۲۰) و (۲۳) قانون پولی و بانکی.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

اعضای هیئت نظار قبل از شروع به کـار در مجمـع عمـومی سـوگند یـاد خواهنـد نمـود کـه اسـرار بانک‌را حفظ نمایند و وظایف قانونی خود را به نحو احسن انجام دهند».[۱]

متأسفانه در قوانین کشور محدودیتی بـرای فعالیـت پـس از خـدمت نیـروی انسـانی شـاغل در بانک مرکزی و مناصب نظارتی در نظر گرفته نشده اسـت. همچنـین ورود و خـروج ایـن افـراد بـه بخش خصوصی شفاف نبوده و الزام قانون برای اطلاع‌رسانی آن وجود ندارد. ایـن در حـالی اسـت که بر اساس استدلال‌های فوق‌الذکر و همچنین اصول ۲۹ گانه کمیته بال، ارتبـاط کـاملاً آزاد میـان بازنشستگان بانک مرکزی و شبکه بانکی می‌تواند استقلال مقام ناظر را خدشه‌دار سازد.

ایـن در حـالی اسـت کـه در بسـیاری از کشـورها و در بسـیاری از بخـش‌هـای اقتصـادی، محدودیت‌های یک یا دوساله[۲] و همچنین ممنوعیـت‌هـای یکسـاله، چندسـاله و مـادام‌العمر[۳] بـرای اشتغال مقامات دستگاه‌های نظارتی و مقـررات‌گـذار، پـس از دوره خـدمت، در بخـش خصوصـی وضع شده است[۴].

۶-۲. پدیده «درب گردان» در نظام بانکی

در این بخش، با کمال احترام به دلسوزان کشور و فعـالین امـین و بـا صـداقت نظـام بـانکی بـه بررسی میزان فراگیر بودن استفاده از افراد باسابقه بانک مرکزی در هیئت مدیره شـبکه بانـک‌هـای خصوصی و بالعکس می‌پردازیم. لازم به یادآوری است که ذکـر مشخصـات ایـن افـراد، بـه معنـی وقوع تخلف یا فعالیت ناسالم آنها نیست، بلکه صـرفاً بـه منظـور نشـان دادن شـدت تـداخل نیـروی انسانی فعال در بخش خصوصی و مقام سیاست‌گذار و ناظر بانکی، سوابق شـغلی آنهـا بـه تفکیـک بانک، ذکر گردیده است.

---

۱. همان.

2. one-year / two-year "cooling off" period.
3. one-year / two-year "lifetime ban".
4. Maskell 2014.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

بانک پاسارگاد

- شخصی که طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۶ عضو هیئت مدیره[۱] و طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۸ رئیس هیئت مدیره[۲] بانک پاسارگاد بوده است، سابقه رئیس کلی دیوان محاسبات کشور و عضویت در هیئت نظارت بر اندوخته اسکناس بانک مرکزی را نیز داشته است.
- شخصی که در سال ۱۳۹۰ رئیس هیئت مدیره[۳] و طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۶ مدیر عامل[۴] بانک پاسارگاد بوده است، سابقه رئیس کلی بانک مرکزی و ریاست شورای پول و اعتبار را نیز بر عهده داشته است.
- شخصی که در سال ۱۳۹۳ عضو هیئت مدیره[۵] بانک پاسارگاد بوده است، سابقه عضویت در شورای پول و اعتبار را نیز دارا بوده است.

بانک پارسیان

- شخصی که از سال ۱۳۸۶ رئیس هیئت مدیره و در سال ۱۳۹۱ مدیر عامل بانک پارسیان بوده است[۶]، سابقه عضویت در هیئت انتظامی بانک‌ها را نیز داشته است[۷].

---

۱. روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۷۹ (۱۳۸۸/۹/۳۰).
۲. روزنامه رسمی شماره ۲۰۲۱۸(۱۳۹۳/۵/۱۵) .
۳. روزنامه رسمی شماره ۱۹۴۲۶ (۱۳۹۰/۸/۱۹) .
۴. روزنامه رسمی شماره ۱۸۲۸۶ (۱۳۸۶/۹/۱۷).
۵. روزنامه رسمی شماره ۲۰۲۱۸ (۱۳۹۳/۵/۱۵) .
۶. روزنامه رسمی شماره ۱۹۵۶۸ (۱۳۹۱/۲/۲۱) .
۷. خبرگزاری انتخاب، خبر شماره ۹۶۷۸۲ (۹۱/۱۱/۲۸)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

- شخصی که در سال ۱۳۹۴ مدیرعامل بانک پارسیان بوده است[۱]، سابقه مشاور رئیس کل بانک مرکزی، عضویت در شورای پول و اعتبار، ریاست مؤسسه عالی آموزش بانکداری و عضویت در هیئت انتظامی بانک‌ها را نیز داشته است.[۲]

بانک اقتصاد نوین

- شخصی که از سال ۱۳۹۳ مدیر عامل بانک اقتصاد نوین بوده است[۳]، سابقه ریاست ادارات بین‌الملل و نظارت ارز بانک مرکزی، مشاور رئیس کل بانک مرکزی، مدیریت کل سیاست‌ها و مقررات ارزی بانک مرکزی، و مدیریت کل نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی را نیز دارا بوده است.[۴]
- شخصی که در سال ۱۳۹۴ مدیر امور بین‌الملل بانک اقتصاد نوین بوده است[۵]، مدیریت کل بین‌الملل بانک مرکزی در سال ۱۳۹۳ را نیز بر عهده داشته است[۶].

بانک ایران زمین

- شخصی که از سال ۱۳۹۲ عضو و نایب رئیس هیئت مدیره بانک ایران زمین[۷] و در سال ۱۳۹۳ نیز مدیر عامل این بانک بوده است[۸]، سابقه ۲۷ سال خدمت در بانک مرکزی، از جمله در معاونت ارزی را نیز در کارنامه دارد.

---

۱. روزنامه رسمی شماره ۲۰۴۵۰(۹۴/۳/۲)

۲. خبرگزاری تدبیر و امید شماره ۶۰۲۸ (۹۲/۷/۹)

۳. روزنامه رسمی شماره۲۰۱۳۷ (۹۳/۲/۶)

۴. پورتال بانک اقتصاد نوین(۹۲/۸/۶)

۵. اخبار بانک کد مطلب ۳۳۲۱۸ (۹۴/۲/۱۷)

۶. خبرگزاری تسنیم کد خبر۶۷۸۴۳۸ (۹۳/۱۱/۱۲)

۷. روزنامه رسمی شماره ۱۹۸۹۱ (۹۲/۳/۲۹)

۸. همان

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

بانک سامان

- شخصی که طی سال‌های۱۳۹۳-۱۳۹۲ رئیس هیئت مدیره، و از سال ۱۳۹۳ نایب رئیس هیئت مدیره بانک سامان بوده است[۱]، در سابقه خود ریاست پژوهشکده پولی و بانکی و مشاور ریاست بانک مرکزی و مشاور وزیر امور اقتصادی و دارایی را نیز داشته است.
- شخصی که در حال حاضر عضو هیئت مدیره بانک سامان است، سابقه عضویت در شورای پول و اعتبار را نیز داشته است.

بانک ملت

- شخصی که در حال حاضر رئیس هیئت مدیره بانک ملت است، معاون اداره اعتبارات بانک مرکزی بوده است.[۲]

بانک تجارت

- شخصی که در حال حاضر معاون مدیرعامل بانک تجارت است، سابقه مدیریت عملیات و تعهدات ارزی بانک مرکزی (به مدت حدود ۳/۵ سال)، مدیریت کل اداره عملیات ارزی بانک مرکزی (به مدت حدود ۲ سال)، مدیریت اداره سیاست‌ها و مقررات ارزی بانک مرکزی (به مدت حدود ۱ سال)، و معاونت اداره سیاست‌ها و مقررات ارزی بانک مرکزی (به مدت حدود ۴/۵ سال) را در کارنامه داشته است.[۳]

۱. روزنامه رسمی شماره ۱۹۸۶۰ (۹۲/۲/۲۲)
۲. گزارش عملکرد پژوهشکده پولی بانک مرکزی (۱۳۹۰)
۳. پورتال بانک تجارت (۹۴/۶/۲۰)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

جدول ۴. گردش مدیران میان بانک مرکزی و شبکه بانکی

ردیف	مسئولیت در بانک مرکزی	زمان شروع	زمان پایان	مسئولیت در شبکه بانکی	زمان شروع	زمان پایان
۱	رئیس دیوان محاسبات و عضو هیئت نظارت بر اندوخته اسکناس بانک مرکزی	۱۳۷۶	۱۳۸۳	عضو یا رئیس هیئت مدیره بانک پاسارگاد	۱۳۸۸	۱۳۹۳
۲	رئیس کل بانک مرکزی	۱۳۶۵	۱۳۶۸	مدیر عامل یا رئیس هیئت مدیره بانک پاسارگاد	۱۳۸۸	۱۳۹۳
۳	عضو شورای پول و اعتبار			عضوهیئت مدیره بانک پاسارگاد	۱۳۸۸	۱۳۹۳
۴	عضو هیئت انتظامی بانک‌ها			رئیس هیئت مدیره یا مدیر عامل بانک پارسیان	۱۳۸۶	۱۳۹۱
۴	عضو شورای پول و اعتبار و عضو هیئت انتظامی بانک‌ها	۱۳۹۰	۱۳۹۱	مدیر عامل بانک پارسیان	۱۳۹۴	۱۳۹۴
۵	مدیرکل نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی، مدیر کل سیاست‌ها و مقررات ارزی بانک مرکزی			مدیر عامل بانک اقتصاد نوین	۱۳۹۳	۱۳۹۴
۶	مدیر کل بین‌الملل بانک مرکزی		۱۳۹۳	مدیر امور بین‌الملل بانک اقتصاد نوین	۱۳۹۳	۱۳۹۴
۷	عضو هیئت عامل بانک مرکزی و سابقه مدیریت در معاونت ارزی بانک مرکزی	۱۳۸۹	۱۳۹۰	نائب رئیس هیئت مدیره بانک ایران زمین مدیر عامل بانک ایران زمین	۱۳۹۲ ۱۳۹۳	۱۳۹۴ ۱۳۹۴
۸	مشاور رئیس کل بانک مرکزی و مشاور وزیر امور اقتصادی و دارایی			رئیس هیئت مدیره بانک سامان نائب رئیس هیئت مدیره بانک سامان	۱۳۹۲ ۱۳۹۳	۱۳۹۳ ۱۳۹۴
۹	عضو شوارای پول و اعتبار		۱۳۸۰	عضو هیئت مدیره بانک سامان	۱۳۹۳	۱۳۹۴
۱۰	مدیر کل عملیات ارزی بانک مرکزی، مدیر سیاست‌ها و مقررات ارزی بانک مرکزی			معاون مدیر عامل بانک تجارت		۱۳۹۴
۱۱	معاون اداره اعتبارات بانک مرکزی		۱۳۹۰	رئیس هیئت مدیره بانک ملت (به نمایندگی از دولت)	۱۳۹۳	۱۳۹۴

مأخذ: در متن اشاره شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

جنبه دیگری از پدیده «درب گردان» در نظام بانکی ایران، به‌کارگیری مدیران سابق شبکه بانکی در ارکان بانک مرکزی است. برخی مصادیق فعلی این پدیده عبارتند از:

- رئیس کل بانک مرکزی: مسئولیت‌های سابق ایشان در شبکه بانکی عبارتند از: مدیر عامل بانک کارآفرین طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۹، رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل فیوچر بانک در بحرین به مدت ۵ سال، رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل بانک‌های ملت، صادرات، سپه و ملی ایران به مدت ۲۰ سال[۱]
- قائم مقام بانک مرکزی: ایشان از آبان ۱۳۹۱ تا شهریور ۱۳۹۲ عضو هیئت مدیره بانک خاورمیانه بوده‌اند.[۲]
- معاون نظارت سابق بانک مرکزی: مسئولیت‌های سابق ایشان در شبکه بانکی عبارتند از: مشاور مدیرعامل بانک اقتصاد نوین در سال ۱۳۸۹، معاون مدیرعامل اعتبارات شرکتی بانک اقتصاد نوین طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۹، مدیرمستقل بازرسی بانک اقتصاد نوین طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۱[۳]
- معاون ارزی بانک مرکزی[۴]: ایشان سابقاً معاون مدیرعامل بانک سامان بوده‌اند.[۵]

تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که تعارض منافع ناشی از روابط پیشین و پسین نیروی انسانی شاغل در مقام ناظر (بانک مرکزی)، قابل حذف نیست. راه‌حل مناسب‌تر و دست‌یافتنی‌تر برای این مسئله، حداقل نمودن تعارض منافع از طریق وضع پروتکل‌های روشن برای اعضای نهاد

---

۱. پورتال بانک مرکزی، اعضای هیئت عامل و معاونین بانک

۲. همان

۳. همان

۴. مسئولیت‌های سابق ایشان در بانک مرکزی: معاون ارزی اداره حسابداری کل و بودجه، مدیر اداره حسابداری کل و بودجه، مدیر اداره دبیرخانه بودجه و تخصیص ارز، مدیر اداره آمار و تعهدات ارزی، مدیرکل سیاست‌ها و نظارت ارز، مدیرکل نظارت و تعهدات ارزی، مدیرکل عملیات و تعهدات ارزی.

۵. پورتال بانک مرکزی، اعضای هیئت عامل و معاونین بانک

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

ناظر بانکی، شامل افشای درآمدها و دارایی‌های فردی به صورت منظم (پیش از استخدام، در حین فعالیت در نهاد ناظر، و برای مدت مشخصی بعد از ترک نهاد ناظر) است[1].

۷. استقلال مقام ناظر در قوانین سایر کشورها

۷-۱. استقلال مالی بانک مرکزی از شبکه بانکی

مستقل کردن هزینه‌های بانک مرکزی از درآمدهای حاصله این بانک از شبکه بانکی، یکی از مواردی است که جهت حفظ استقلال مالی بانک مرکزی باید در نظر گرفته شود. در کشور امارت طبق ماده ۳۰ قانون بانک مرکزی، بانک مرکزی نمی‌تواند از محل منفعت‌های بانک به کارکنان خود پاداش یا مزایا بدهد[2]. بنابر قانون بانک مرکزی قطر نیز بانک مرکزی نمی‌تواند به اعضای هیئت مدیره یا کارمندان خود هرگونه دستمزد، پاداش یا برداختی فوق‌العاده از محل سودهای مربوط به بانک مرکزی پرداخت نماید[3].

۷-۲. محدویت‌های حین خدمت برای نیروی انسانی

بنابر قانون بانک مرکزی اروپا، اعضای هیئت عامل[4] بانک مرکزی نباید در جای دیگری اشتغال داشته باشند. مگر در جایی که شورای حاکمه[5] اجازه داده باشد[6].

بنا بر ماده ۱۷ قانون بانک مرکزی قطر، افراد زیر نمی‌توانند عضو هیئت مدیره بانک مرکزی باشند[7]:

- شخصی که ورشکسته شده باشد یا بدهی‌های خود را نداده باشد.
- شخصی که به دلیل فساد اخلاقی محکوم شده باشد.
- مالک یا نمایندگی دفاتر حسابرسی بانکی

1. Corporate Governance in Bank Supervisory Agencies 2006
2. UAE 1980
3. Qatar 2006
4. Executive Board
5. Governing Council
6. ECB, Protocol on the Stature of the European System of Central Banks and of the European Central Bank 2003
7. Qatar 2006

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

- اعضای هیئت مدیره یکی از مؤسسات مالی که تحت نظارت بانک مرکزی قرار دارند، و همچنین مدیران، کارمندان و حسابران این مؤسسات.

بر اساس قانون بانک مرکزی ژاپن، کلیه کارمندان بانک ژاپن نباید در طی مدت خدمت در بانک، یکی از فعالیت‌های زیر را انجام دهد[1]:

- کاندیداتوری شورای محلی یا هر انتخابات عمومی دیگر.
- فعالیت در هر تشکل سیاسی شامل احزاب سیاسی، یا انجام فعالیت سیاسی جدی.
- اشتغال در فعالیت‌هایی که دستمزد و پاداش به آن تعلق می‌گیرد (به استثنای فعالیت‌هایی که به تشخیص هیئت مدیره، استانداردهای لازم برای عدم تعارض این فعالیت‌ها با انجام وظایف در بانک مرکزی را دارا است).
- انجام کسب و کار تجاری یا هر نوع کسب و کار دیگری به منظور کسب منفعت.

بررسی، کشف و برخورد با ارتباطات غیررسمی بین ناظر و بخش نظارت‌شونده بسیار دشوار است. بدین منظور محدودیت‌هایی بر سیستم نظارتی برقرار می‌گردد تا از آسیب‌های ناشی از این ارتباطات جلوگیری شود. ثبت و اعلام دارایی‌ها و درآمدهای حاصل از ارتباط با بخش نظارت‌شونده، یکی از این راهکارها به منظور مقابله با خطرات ارتباط غیررسمی بین بخش دولتی و خصوصی می‌باشد. در ادامه، قوانین مرتبط با این موضوع در قانون بانک مرکزی برخی از کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

طبق ماده ۲۱ قانون بانک مرکزی قطر، اعضای هیئت مدیره هنگام انتصاب و در پایان هر سال مالی باید درآمدها و منافع مالی خود را که در تضاد با عضویت اوست، اعلام نماید. همچنین فردی که درآمدی از ارتباط با بخشی به دست آورده حق رأی دادن یا شرکت در مباحثات مربوط به آن موضوع، در صورتی که هیئت مدیره چنین مسأله‌ای را در مورد وی تشخیص دهد، ندارد[2].

1. Act No. 89 - Bank of Japan Act 1997
2. Qatar 2006

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

بنا بر ماده ۲۰ قانون بانک مرکزی مالزی، هر مدیری که در معاملات یا فعالیت‌هایی که توسط بانک مرکزی انجام می‌شود، دارای هر گونه منافع مستقیم یا غیرمستقیم است، باید در اولین جلسه هیئت مدیره، آن را اعلام کند و این مسئله باید در صورت جلسه مزبور ثبت و قید شود.

مدیر مذکور نباید در جلسات مشورتی یا تصمیم‌گیری هیئت مدیره در خصوص این معاملات و فعالیت‌های بانک مرکزی عضو باشد یا حضور داشته باشد. همچنین در احتساب حد نصاب تعداد اعضای حاضر برای چنین جلسات مشورتی یا تصمیم‌گیری، نباید حضور وی لحاظ شود. مدیری که این شرایط را احراز نکند، مرتکب جرم شده و باید جریمه‌ای حداکثر یک میلیون رینگیت بپردازد[1].

در بانک مرکزی اتحادیه اروپا، بنا بر ماده ۹ مرامنامه اعضای هیئت مدیره نظارت بانک مرکزی اروپا[2]، هر موقعیتی که بتواند به عنوان عامل تضاد منافع شناخته شود، باید توسط هیئت مدیره نظارت یا سایر اعضای شرکت‌کننده در جلسات هیئت نظارت به صورت مکتوب به هیئت مدیره نظارت اعلام شود. افراد درگیر در این موارد، در جلسات مرتبط با موضوع تضاد منافع، حق رأی یا مشورت نخواهند داشت.

همچنین طبق بند ۱۰ مرامنامه، اعضای هیئت مدیره نظارت و افراد شرکت‌کننده در جلسات از دریافت هدیه بیش از ۵۰ یورو یا هدایای مکرر از یک منبع، منع شده‌اند. در صورت عدم امکان رد، این نوع هدیه‌ها به بانک مرکزی اتحادیه اروپا یا بانک‌های مرکزی ملی تحویل داده خواهد شد.

طبق بند ۱۱ مرامنامه، اعضای هیئت مدیره نظارت و افراد شرکت کنند در جلسات نظارت باید از پذیرش دعوت به کنفرانس‌ها، مهمانی‌ها و رویدادهای فرهنگی و... که مرتبط با وظایف آنها نیست اجتناب کنند و همچنین موارد پذیرش دعوت‌های منطبق با وظایف را نیز به اطلاع سایر همکاران برسانند.

1. Act No. 701 - Central Bank of Malaysia Act 2009
2. (ECB, Code of Conduct for the Members of the Supervisory Board of the European Central Bank, 2015)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

اعضای هیئت مدیره نظارت و افراد شرکت‌کننده در جلسات نظارت، می‌توانند به فعالیت‌های شخصی غیرمرتبط با مؤسسات اعتباری مورد نظارت بپردازند و از این طریق درآمدهایی به دست آورند. اما این افراد می‌بایست به صورت سالانه و مکتوب همه این فعالیت‌ها و درآمدهای حاصله را به کمیته اصول اخلاقی اعلام کنند. همچنین این افراد باید فوراً هرگونه فعالیت اعضای خانواده یا شرکای خود را که به درآمد منجر می‌شود و در آن احتمال ایجاد تضاد منافع وجود دارد گزارش دهند.

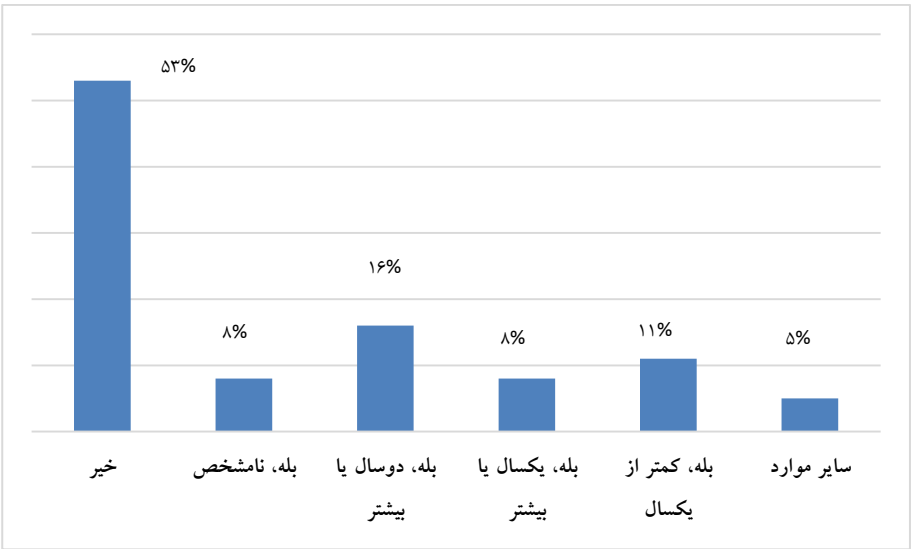
۷-۳. محدودیت‌های پیش و پس از خدمت برای نیروی انسانی

فریزل و همکاران به بررسی اصول حکمرانی شرکتی در بانک‌های مرکزی و میزان رعایت این اصول در کشورهای مختلف پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده حاکی است که حدود ۴۵٪ از ۴۷ کشور مورد بررسی[1] از دوره استراحت[2] به عنوان راهکاری برای افزایش استقلال ناظرین استفاده می‌کنند. خلاصه نتایج میزان محدودیت‌های اعمال شده بر ناظران در این کشورها به صورت زیر می‌باشد.

۱. آرژانتین، استرالیا، اتریش، بلژیک، برزیل، بلغارستان، کانادا، شیلی، چین، کرواسی، جمهوری چک، دانمارک، بانک مرکزی اروپا، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، هنگ کنگ، مجارستان، ایسلند، هند، ایرلند، اسرائیل، ایتالیا، ژاپن، کره، لوکزامبورگ، مالزی، مکزیک، هلند، نیوزیلند، نروژ، لهستان، پرتغال، روسیه،عربستان سعودی، سنگاپور، جمهوری اسلواکی، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، تایوان، تایلند،ترکیه، انگلستان، ایالات متحده آمریکا.

2. Cooling off period

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]



نمودار۲. نتایج مطالعه میدانی در خصوص محدودیت‌های اعمال شده بر اشتغال ناظران بانکی[۱]

در اسپانیا، رئیس و قائم مقام بانک مرکزی نمی‌توانند پس از اتمام فعالیت در هیچ شغل تخصصی مرتبط با مؤسسات اعتباری یا بازارهای مالی فعالیت کنند. در بلژیک، رئیس، معاون و سایر اعضای هیئت مدیره بانک مرکزی تا دوسال بعد از اتمام فعالیت در بانک مرکزی، نمی‌توانند در مؤسسات اعتباری شاغل شوند. همچنین در ژاپن، کارکنان بانک مرکزی تا دو سال بعد ازاتمام فعالیت، اجازه ندارند در بانک‌های تجاری پستی بر عهده بگیرند[۲].

بانک مرکزی اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۴ برای نظارت بر بانک‌های فعال در کشورهای عضو اتحادیه یورو، «مکانیسم نظارت واحد»[۳] را طراحی نمود. در سند اصول اخلاقی SSM، توصیه شده است که روش‌هایی برای ارزیابی تضاد منافع ناشی از شغل‌های قبلی یا ارتباطات شخصی متقاضیان پیوستن به بانک مرکزی اروپا یا بانک‌های مرکزی کشورهای عضو پیش‌بینی شود. این سند توصیه

1 . Frisell et al. 2008
2. Dolan 2012
3. Single Supervisory Mechanism (SSM)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

می‌کند که بانک مرکزی اتحادیه اروپا و نیز بانک‌های مرکزی ملی کشورهای عضو، موارد زیر را در قوانین خود منعکس کنند[1]:

- عدم وجود تضاد منافع یا کاهش معنی‌دار آن، پیش‌شرط هر انتصابی است.
- نامزد احراز پست، موظف به اعلام هر گونه تضاد منافع بالفعل و بالقوه است که از فعالیت‌های شغلی قبلی یا روابط شخصی به وجود می‌آیند.
- مدیران کمیته انتخاب یا انتصاب موظف هستند، پس از مشورت و مشخص شدن وضعیت، اقدامات لازم برای جلوگیری از تضاد منافع را انجام دهند.

همچنین به بانک مرکزی اتحادیه اروپا و بانک‌های مرکزی ملی (تاحدی که قوانین ملی اجازه می‌دهد) توصیه شده است تا دوره استراحت[2] متناسبی برای کارکنان این نهادها، که قصد پیوستن به مؤسسات مالی که در امر نظارتشان دخیل بودند را دارند، در نظر گرفته شود. این دوره حداقل ۶ ماه خواهد بود. علاوه براین به بانک مرکزی اتحادیه اروپا یا بانک‌های مرکزی ملی که به کارکنان خود اجازه می‌دهند که با گرفتن مرخصی بدون حقوق، به فعالیت شغلی دیگری بپردازند، توصیه می‌شود که قبل از صدور هرگونه مجوز مرخصی بدون حقوق، تضاد منافع شغل قبلی و جدید را مورد بررسی قرار دهند[3].

بنابر ماده ۸ مرامنامه اعضای هیئت مدیره نظارت بانک مرکزی اروپا[4]، اعضای هیئت مدیره نظارت و سایر کارکنان باید تصمیمات خود در رابطه با پیوستن به مؤسسات مالی را در اختیار کمیته اصول اخلاقی قرار دهند. افراد هیئت مدیره ممکن است تا دو سال مشمول دوره استراحت شوند. سایر افراد بخش نظارت نیز با محدودیت‌هایی تا سقف یک سال مواجه هستند. بیشترین

1. ECB, Ethics Framework for the SSM 2015
2. Coolling off Period
3. ECB, Ethics Framework for the SSM 2015
4. (ECB, Code of Conduct for the Members of the Supervisory Board of the European Central Bank, 2015)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

محدودیت برای زمانی است که فرد بخواهد به مؤسسه اعتباری برود که به صورت مستقیم تحت نظارت وی بوده است.

در ایالات متحده آمریکا نیز قوانین و مقررات فراوانی ناظر بر محدودیت‌های پیش و پس از خدمت در نهاد ناظر بانکی وجود دارد. طبق اصلاحات قانون بیمه سپرده آمریکا، بازرسان و کارمندان آژانس بانکی فدرال[1] و نیز فدرال رزرو که در بازرسی و نظارت بر بانک‌ها دخیل هستند، پس از ترک خدمت برای یک دوره یک ساله از هرگونه اشتغال در مؤسسات و نهادهایی که سابقاً تحت نظارتشان بوده، محروم هستند.

بنابر مقررات فدرال رزرو نیز بازرسان فدرال رزرو نمی‌توانند تا یک سال در نهادهای مالی که سابقاً بازرس آنها بوده‌اند فعالیت کنند. این محدودیت شامل هرگونه رابطه کارمندی، عضویت در هیئت مدیره و حتی مشاوره خواهد بود. در صورتی که محدودیت یک ساله توسط افراد مشمول رعایت نشود، علاوه بر انفکاک از محل کار جدید، تا سقف ۵ سال از هرگونه فعالیت در این صنعت محروم، یا تا ۲۵۰ هزار دلار جریمه خواهند شد. اعمال هر دو مجازات نیز ممکن خواهد بود[2].

در برخی از کشورها برای دوره استراحت، پرداختی‌هایی در نظر گرفته شده، همچنین علاوه بر محدودیت‌های پس از خدمت، محدودیت‌هایی نیز برای به کارگیری ناظران وضع شده است. انجمن ناظران بانک‌های قاره آمریکا (ASBA) به بررسی این موضوع در برخی از کشورهای قاره آمریکا پرداخته است که خلاصه یافته‌های آن در جدول زیر ارائه شده است.

1. Federal Banking Agency
2. Special PostEmployment Restriction Set Forth in the Intelligence Reform and Terrorism Prevention Act 2005

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

جدول ۵. محدودیت‌ها و مقررات اشتغال پسادولتی ناظران بانکی در کشورهای آمریکایی

نام کشور	آیا دوره قرنطینه برای افراد شاغل در بخش نظارتی که مسئولیت خود را ترک می‌کنند وجود دارد؟	آیا بابت دوره قرنطینه به فرد پرداختی انجام می‌شود؟	آیا محدودیت‌هایی برای اتخاذ شغل در پست‌های نظارتی وجود دارد؟
آرژانتین	بله	خیر	بله[1]
بولیوی	بله	اطلاعات یافت نشده است	بله (برای افرادی که منتسب به مؤسسات تحت نظارت هستند)
برزیل	بله	در زمانی که یک عضو سابق نمی‌تواند کاری متناسب با موقعیت سابق خود بیابد، دولت اجازه دارد که به این افراد پرداختی داشته باشد.	بله
کلمبیا	بله	خیر	بله[2]
گواتمالا	خیر	-	بله[3]
مکزیک	خیر	-	بله (برای افرادی که منتسب به مؤسسات تحت نظارت هستند)
پرو	بله	اطلاعات در دسترس نبوده است	بله (برای افرادی که منتسب به مؤسسات تحت نظارت هستند)
آمریکا [4]	بله	خیر- به طور کلی برای افرادی که ممنوعیت فعالیت در مؤسسات بیمه شده در نظر گرفته شده، پرداختی صورت نمی‌گیرد)	افرادی در صندوق ضمانت سپرده فدرال فعالیت کنند که تجربه نظارت بر بانک‌ها ایالتی را داشته باشند.
اروگوئه	خیر	-	محدودیتی در مورد فعالیت قبلی در مؤسسات تحت نظارت وجود ندارد.

مأخذ: (Corporate Governance in Bank Supervisory Agencies, 2006)

1. See article 8 of the BCRA Charter (www.bcra.gov.ar/pdfs/marco/carta_organica.pdf)
2. Constitution of Colombia (Article 126-129), Law 734 (Article 35-41), Law 80, Law190, Decree 1170 (specific for the Superintendencia Financiera of Colombia).
3. http://www.sib.gob.gt/es/normativa/normas_reforma_financieras/Decreto_18-2002.pdf

۴. (صندوق ضمانت سپرده فدرال)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

طبق نتایج این گزارش کشورهای آرژانتین، بولیوی، برزیل، کلمبیا، پرو و ایالات متحده محدودیت‌هایی برای فعالیت پیش و پس از خدمت کارکنان نظارتی اعمال می‌کنند ولی تنها درکشور برزیل پرداخت‌هایی بابت دوره استراحت[1] در نظر گرفته شده است.

۸. جمع‌بندی

نقش بسیار مهم بانک‌ها در ثبات مالی و نقش بانک‌ها در خلق اعتبار از یک سو، و ماهیت بسیار متفاوت بانکداری با سایر صنایع از لحاظ ساختار دارایی‌ها و بدهی‌ها، نسبت اهرمی بالا و عدم تقارن اطلاعات در نظام مالی از سوی دیگر، نظارت دقیق و کارآمد در این حوزه را ضروری می‌سازد. پیش‌نیاز تحقق نظارت کارآمد، استقلال مقام ناظر از مجموعه تحت نظارت است، به‌گونه‌ای که از بروز پدیده تعارض منافع[2] در امر نظارت جلوگیری شود. در مطالعه حاضر، به منظور تحلیل استقلال مقام ناظر در ایران، رابطه بانک مرکزی و شبکه بانکی از سه بُعد مورد بررسی قرار گرفته است: استقلال ساختاری و سازمانی، استقلال مالی و استقلال نیروی انسانی.

در بُعد ساختاری و سازمانی، ساختار بانک مرکزی از لحاظ چیدمان ارکان این نهاد را، می‌توان ظاهراً مستقل از شبکه بانکی به حساب آورد، چرا که بانک‌ها یا نهاد صنفی همچون شورای هماهنگی بانک‌ها و کانون بانک‌های خصوصی، در ارکان تصمیم‌گیر بانک مرکزی نماینده‌ای ندارند. اما ساختار بخش‌های تأثیرگذاری که عملکردی غیرشفاف دارند، همچون هیئت انتظامی و کمیسیون‌های تخصصی بانک مرکزی، تا حدودی استقلال بانک مرکزی از شبکه بانکی را از لحاظ ساختاری کاهش داده است.

در خصوص هیئت انتظامی، نامشخص بودن قواعد بررسی پرونده‌های تخلف و صدور حکم (فقدان رویه نظارتی)، فقدان گزارشات شفاف و دوره‌ای از عملکرد این نهاد (عدم شفافیت)، و مهمتر از آن، عضویت یک نفر به عنوان نماینده بانک‌ها در این هیئت (تعارض منافع)، عملکرد

1. Cooling off Period
2. Conflict of Interests

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

کارآمد این نهاد مهم نظارتی را کاهش داده است. معضل عدم شفافیت در خصوص کمیسون‌های تخصصی بانک مرکزی نیز مشاهده می‌شود.

در بُعد مالی، بررسی قوانین مربوط به حقوق و مزایای ارکان بانک مرکزی (هیئت عامل، هیئت نظار و...) همچنین بررسی صورت سود و زیان بانک مرکزی و شیوه توزیع سود ویژه آن بانک نشان می‌دهد که ظاهراً رابطه مالی مستقیمی میان بانک مرکزی و شبکه بانکی وجود ندارد. اما تحلیل دقیق‌تر صورت سود و زیان و اجزاء درآمدها و هزینه‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد که جریمه‌های دریافتی بانک مرکزی از محل اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی، در ردیف «سایر درآمدها» منظور می‌گردد. منظور شدن جریمه اضافه برداشت بانک‌ها به عنوان درآمد بانک مرکزی، موجب می‌شود تخلف بانک‌ها از قوانین و مقررات، منتج به افزایش درآمدهای بانک مرکزی شود. از آنجا که اصلاح ارقام مربوط به درآمدها و هزینه‌های بانک مرکزی، صرفاً نیاز به مصوبه مجمع عمومی دارد، در صورت افزایش درآمدهای بانک مرکزی امکان افزایش هزینه‌های این بانک نیز وجود خواهد داشت. بنابراین افزایش تخلفات شبکه بانکی منجر به انتفاع بالقوه بانک مرکزی می‌گردد و این موضوع می‌تواند بسیار خطرناک باشد.

استقلال نیروی انسانی بانک مرکزی از شبکه بانکی در چهار بخش قابل بررسی است:

- رابطه رسمی نیروی انسانی بانک مرکزی با شبکه بانکی در حین خدمت در بانک مرکزی (اعم از روابط سهامداری، داشتن سمت موظف و یا غیر موظف و...).
- رابطه غیررسمی نیروی انسانی بانک مرکزی با شبکه بانکی در حین خدمت در بانک مرکزی (ارائه مشاوره، ارائه اطلاعات، تسریع امور، در نظر گرفتن مصالح برخی از بانک‌ها در تصمیم‌گیری و....).
- رابطه رسمی و غیررسمی نیروی انسانی بانک مرکزی پس از بازنشستگی، با شبکه بانکی.
- تصدی سمت‌های مدیریتی توسط مدیران و متخصصان شبکه بانکی در ارکان بانک مرکزی.

هر چهار نوع رابطه فوق، در صورت پیروی از چارچوب‌های معین، می‌تواند اثرات مثبتی از قبیل انتقال تجربه و دانش از بخش خصوصی به حاکمیت و بالعکس شود. اما در صورتی که این

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

روابط فاقد ضوابط و محدودیت‌های مشخص باشند، موجب ناکارآمدی در انجام وظایف حاکمیتی بانک مرکزی (در حوزه سیاست‌گذاری پولی و نظارت بانکی) خواهد شد.

مطالعه حاضر نشان می‌دهد تنها روابط از نوع اول مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و هیچ‌گونه ضوابط مشخصی برای روابط نوع دوم تا چهارم، میان نیروی انسانی بانک مرکزی و شبکه بانکی وجود ندارد. همچنین سازوکارهای اجرایی لازم برای شفاف‌سازی روابط نیروی انسانی فعال در شبکه بانکی و بانک مرکزی نیز طراحی نشده است. از سوی دیگر، بررسی اجمالی سوابق ارکان بانک مرکزی و شبکه بانکی، نشان می‌دهد گردش مدیران میان شبکه بانکی و بانک مرکزی بسیار رایج و پربسامد است.

مطالعات صورت گرفته پس از بحران مالی ۲۰۰۹ نیز نشان می‌دهد، مسئله گردش مدیران و نیروی انسانی متخصص بین بخش خصوصی و بخش‌های حاکمیتی در نظام مالی، علیرغم وجود محدودیت‌های قانونی، همچنان یکی از چالش‌های مهم کشورهای توسعه یافته است. مطالعه مقررات اتحادیه اروپا، آمریکا و برخی کشورهای منتخب نشان می‌دهد محدودیت‌های قانونی حین خدمت و پس از خدمت، خصوصاً الزام دوره استراحت، برای اشتغال کارکنان مقام ناظر بانکی در بسیاری از کشورهای پیشرو وجود دارد. لذا به نظر می‌رسد ساماندهی گردش نیروی انسانی میان بانک مرکزی و شبکه بانکی در ایران، از طریق وضع محدودیت‌هایی نظیر دوره استراحت پس از اتمام همکاری با بانک مرکزی و همچنین الزام شفاف‌سازی گردش نیروی انسانی میان این دو بخش، ضروری است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

منابع

- **ابوحمزه، د.** (۱۳۹۴)، *آشنایی با بودجه شرکت‌های دولتی*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- **اسدی، ن.** (۱۳۸۸)، *نظارت بر بانک‌ها و شیوه‌های اجرای آن*، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ایران.
- آیین‌نامه داخلی شورای هماهنگی بانک‌ها.
- آیین‌نامه نحوه تأسیس و اداره مؤسسات اعتباری غیردولتی مصوب ۱۳۹۳/۱۰/۲۸،
- **ترازنامه بانک مرکزی**، سال‌های ۸۳ تا ۹۱
- **فهیم،آ.(۱۳۹۰)** گزارش عملکرد پژوهشکده پولی بانکی بانک مرکزی ایران.
- **قانون برنامه پنجم توسعه**، مصوب ۱۳۸۹
- **قانون پولی و بانکی**، مصوب ۱۳۵۱
- **کانون بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی** (۱۳۹۴)، *تاریخچه کانون بانک‌ها*.
- **میشکین، ف.** (۱۳۸۹). اقتصاد پول، بانکداری و بازارهای مالی. (ح. قضاوی، مترجم)
- نامه شماره ۹۴/۲۷۴۷۴۸ بانک مرکزی مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۶
- **روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۶۹۲** (۱۳۹۱/۴/۲۸)، شماره خبر (DEN-653649) قابل دسترس: http://www.donya-e-eqtesad.com/news/653649
- **روزنامه رسمی، شماره ۱۸۸۷۹** (۱۳۸۸/۹/۳۰)، آگهی تصمیمات شرکت بانک پاسارگاد (شماره ۲۵۴۳۰۰)، شماره پیگیری روزنامه رسمی ۱۳۱۸۰۰۴۳۴۸. قابل دسترس: http://www.rrk.ir/News/ShowNews.aspx?Code=11215465
- **روزنامه رسمی شماره ۲۰۲۱۸**(۱۳۹۳/۵/۱۵) ، آگهی تصمیمات شرکت بانک پاسارگاد (شماره ۲۵۴۳۰۰)، شماره پیگیری روزنامه رسمی ۱۳۹۳۳۰۴۰۰۹۰۱۳۸۷۶۵. قابل دسترس: http://www.rrk.ir/News/ShowOldNews.aspx?Code=1538849
- **روزنامه رسمی شماره ۱۹٤۲٦** (۱۳۹۰/۸/۱۹)، آگهی تغییرات شرکت گسترش انرژی پاسارگاد (۳۱۹۸۸۷)، شماره پیگیری روزنامه رسمی ۲۰۱۴۵۰۰۰۰۱۱۱۰۱۰۱۶۶۵۷ قابل دسترس: http://www.rrk.ir/News/ShowOldNews.aspx?Code=11425399
- **روزنامه رسمی شماره ۱۸۲۸٦ (۱۳۸٦/۹/۱۷)**، آگهی تصمیمات شرکت بانک پاسارگاد (شماره ۲۵۴۳۰۰)، شماره پیگیری روزنامه رسمی ۱۱۶۷۲۱۴۵۵۵. قابل دسترس: http://www.rrk.ir/News/ShowNews.aspx?Code=10985126

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

- **روزنامه رسمی شماره ۱۹۵٦۸ (۱۳۹۱/۲/۲۱)**، آگهی تصمیمات شرکت بانک پارسیان (شماره ۱۷۸۰۲۸)، شماره پیگیری روزنامه رسمی ۲۰۱۴۵۰۰۰۰۱۱۱۰۳۴۰۶۲۵۲. قابل دسترس:
http://www.rrk.ir/News/ShowNews.aspx?Code=570660
- **روزنامه رسمی شماره ۲۰٤۵۰(۹٤/۳/۲)**، آگهی تصمیمات شرکت بانک پارسیان (شماره ۱۷۸۰۲۸)، شماره پیگیری روزنامه رسمی ۱۳۹۴۳۰۴۰۰۹۰۱۰۱۴۳۹۱. قابل دسترس:
http://www.rrk.ir/News/ShowNews.aspx?Code=12167627
- **روزنامه رسمی شماره۲۰۱۳۷ (۹۳/۲/٦)**، آگهی تصمیمات شرکت بانک اقتصاد نوین (شماره ۱۷۷۱۳۲)، شماره پیگیری روزنامه رسمی ۱۳۹۴۳۰۴۰۰۹۰۱۰۰۳۷۷۴. قابل دسترس:
http://www.rrk.ir/News/ShowOldNews.aspx?Code=1401977
- **روزنامه رسمی شماره ۱۹۸۹۱ (۹۲/۳/۲۹)**، آگهی تغییرات شرکت بانک ایران زمین (شماره ۳۹۹۲۷۹)، شماره پیگیری روزنامه رسمی ۱۶۵۵۶۵۳. قابل دسترس:
http://www.rrk.ir/News/ShowOldNews.aspx?Code=1074606
- **روزنامه رسمی شماره۱۹۸٦۰ (۹۲/۲/۲۲)** ، آگهی تصمیمات شرکت بانک ایران زمین (شماره ۱۵۴۴۴۴)، شماره پیگیری روزنامه رسمی ۱۶۳۹۳۷۸. قابل دسترس:
http://www.rrk.ir/News/ShowOldNews.aspx?Code=1041710
- **خبرگزاری انتخاب (۹۱/۱۱/۲۸)**، کدخبر۹۶۷۸۲. قابل دسترس:
http://www.entekhab.ir/fa/news/96782
- **اخبار بانک (۹٤/۲/۱۷)**، کد مطلب ۳۳۲۱۸. قابل دسترس:
http://www.akhbarbank.com/vdcg7x9w.ak9wq4prra.html
- **خبرگزاری تسنیم (۹۳/۱۱/۱۲)**، کد خبر۶۷۸۴۳۸ . قابل دسترس:
http://www.tasnimnews.com/Home/Single/638784
- **پورتال بانک اقتصاد نوین(۹۲/۸/٦)**، روابط عمومی. قابل دسترس:
http://www.enbank.ir/Site.aspx?ParTree=1113&LnkIdn=14892
- **پورتال بانک تجارت (۹٤/٦/۲۰)**، قابل دسترس:
http://www.tejaratbank.ir/organization_chart/1538724-%D8%B9%D9%84%DB%8C-%D8%AD% D8 %B3%D9%86%D8 %A7%D9%86%DB%8C.html
- **پورتال بانک مرکزی۹٤/۵/۱۳)**، اعضای هیئت عامل و معاونین بانک، قابل دسترس:
http://www.cbi.ir/simplelist/2319.aspx

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

- Act No. 89 of 1997, Bank of Japan Act
- Act No. 701 of 2009, Central Bank of Malaysia Act
- Amended Examiner Borrowing Rules. 2005
- **Acemoglu, Daron, Simon Johnson, Amir Kermani, James Kwak, and Todd Mitton** (2016), "The Value of Connections in Turbulent Times: Evidence From the United States", *Journal of Financial Economics*, pp. 368–391.
- Act No. 701 of 2009, Central Bank of Malaysia Act.
- Act No. 89 of 1997, Bank of Japan Act.
- **Barth, James; Daniel Nolle; Triphon Phumiwasana and Yago Glenn** (2002), "A Cross-Country Analysis of the Bank Supervisory Framework and Bank Performance", *Economic and Policy Analysis* (Working Paper).
- **Brezis, Elise S. and Joël Cariolle** (2015), "Measuring Conflicts Of Interest: A Revolving Door Indicator", *Development Indicators* , Working Paper.
- **Burke, Jeremy; Angela Hung; Jack Clift; Steven Garber and Joanne Yoong** (2015), "Impacts of Conflicts of Interest in The Financial Services Industry", *RAND Corporation* (working paper).
- **Canayaz; Mehmet İhsan; Jose Vicente Martinez and Han N. Ozsoylev** (2015), "Is The Revolving Door Of Washington A Back Door to Excess Corporate Returns?", *Koç University* , Working Paper.
- **Čihák, Martin, and Richard Podpiera** (2006), "Is One Watchdog Better Than Three? International Experience with Integrated Financial Sector Supervision", *International Monetary Fund* (Working Paper).
- Core Principles for Effective Banking Supervision (2012), Bank for International Settlements.
- Corporate Governance in Bank Supervisory Agencies (2006), Association of Supervisors of Banks of the Americas.
- **Crockett, Andrew; Trevor Harris; Frederic Mishkin and Eugene White** (2003), *Conflicts of Interest in the Financial Services Industry: What Should We Do About Them?,* International Center for Monetary and Banking Studies (ICMB) & Centre for Economic Policy Research (CEPR).
- **Dolan, Carl (**2012), *Why Cooling-Off Periods are Necessary for ECB Supervision*, Transparency International.
- **ECB.** (2015), *Code of Conduct for The Members of the Supervisory Board of the European Central Bank*, European Central Bank.
- **ECB. (**2015), *Ethics Framework for the SSM*, European Central Bank.
- **ECB.** (2003), *Protocol on the Stature of the European System of Central Banks and of the European Central Bank*, European Central Bank.
- **ECB.** (2003), *The Role of Central Banks in Prudential Supervision*, European Central Bank.
- **Eichengreen, Barry and Nergiz Dincer (**2011), "Who Should Supervise? The Structure of Bank Supervision and the Performance of the Financial System", NBER Working Paper (NBER Working Paper).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

- **Frisell, Lars; Kasper Roszbach and Giancarlo Spagnolo (**2008), "A Clinical Study of Central Banks", Governing the Governors.
- **Hüpkes, Eva; Marc Quintyn and Michael Taylor** (2005), "The Accountability of Financial Sector Supervisors: Principles and Practice", *International Monetary Fund* , Working Paper.
- **Lima, Lazopoulos and Gabriel** (2012), "Monetary Policy and Banking Supervision: Is There A Conflict of Interest?" Working Paper.
- **Lindner, Fabian** (2015), "Does Saving Increase the Supply of Credit A Critique", *World Economic Review*.
- **Lucca, David, Amit Seru and Francesco Trebbi** (2014), "The Revolving Door and Worker Flows in Banking Regulation", *Journal of Monetary Economics*, No.65.
- **Lumpkin, Stephen (**2002), "Supervision of Financial Services in the OECD Area" OECD Working Paper.
- **Luna Martínez, José and Thomas Rose** (2003), "International Survey of Integrated Financial Sector Supervision", World Bank Working Paper.
- **Masciandaro, Donato, Marc Quintyn, and Michael Taylor (**2008), "Inside and Outside the Central Bank Independence and Accountability in Financial Supervision", *European Journal of Political Economy*.
- **Masciandaro, Donato, Maria Nieto and Henriëtte Prast (**2007), "Who Pays For Banking Supervision? Principles and Practices", De Nederlandsche Bank (Working Paper).
- **Maskell, Jack (**2014), Post-Employment, "Revolving Door," Laws for Federal Personnel. Congressional Research Service of USA.
- **Miller, David, and William Dinan** (2009), Revolving Doors, Accountability and Transparency - Emerging Regulatory Concerns and Policy Solutions in the Financial Crisis, Organisation for Economic Co-operation and Development.
- **OECD. (**2010), Post-Public Employment: Good Practices For Preventing Conflict Of Interest, Organisation for Economic Co-operation and Development.
- **Qatar** (2006), "Law NO33. of Qatar Central Bank."
- **Quintyn, Marc** (2007), "Governance of Financial Supervisors and its Effects." *Corporate Governance in Financial*. Bank of Cyprus.
- **Quintyn, Marc and Michael Taylor** (2002), "Regulatory and Supervisory Independence and Financial Stability", *International Monetary Fund* (Working Paper).
- **Schüler, Martin (**2004), "Integrated Financial Supervision in Germany", ZEW Discussion Paper.
- **Shive, Sophie and Margaret Forster** (2015), "The Revolving Door for Financial Regulators", University of Notre Dame.
- Special Post Employment Restriction Set Forth in the Intelligence Reform and Terrorism Prevention Act Rgulation (2005), Washigton: Federal Reserve System - Division of Banking Supervision and Regulation.
- The Warwick Commission on International Financial Reform (2009), The University of Warwick.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]

- **UAE.** (1980), Union Law No. 10 Concerning the Central Bank, the Monetary System and Organization of Banking. United Arab Emirates.
- **Viñals , Jose and Jonathan Fiechter** (2010), The Making of Good Supervision: Learning to Say "No", *International Monetary Fund*.
- **Vives, Xavier** (2001), "Central Banks and Supervision (with an application to financial architecture in EMU)", *In Challenges for Modern Central Banking*, by Santomero, Viotti and Vredin. Kluwer Academic Publisher.
- **Whelan, Karl (**2012), *Should Monetary Policy be separated*, European Parliament's Committee on Economic and Monetary Affairs.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-19]